

شما

مجله فرهنگی و اجتماعی
جمهوری اسلامی ایران

دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۹
۱۸ ربیع الاول ۱۴۳۳
۴ نوامبر ۲۰۲۰
شماره ۱۳۰
۴۰۰۰۰۰ ریال
www.shoma-weekly.ir

دردنا

ویژه نامه هفتمین سالگرد درگذشت

مرحوم حاج حبیب الله عسکری لادی با آثاری از:

پادامچیان، سیدمصطفی میر سلیم

حضرات آیات و حجج اسلام: مجتهد شبستری، سید احمد خاظمی

ناطق ثوری، غلامرضا ممباجی مقدم، مصطفی پور محمدی

سید حسن نصرالله، مسعود عالی، شهید محمد خرسند

مجید انصاری

گنارهایی از: علی لاریجانی، حسین شریعتمداری

ابوالفضل توکلینیا، احمد کریمی اصفهانی، حسین انواری

حمیدرضا ترقی، محمد کاظم انبارلویی

محمدرضا باهنر، حبیبالله توسلی، محمد عسکری لادی، یوسفی

یعنی آل اسحاق، علیرضا اسلامی

مهدی فضائلی، حسن کر بلائی، الیاس حضرتی

سید محمدعلی مرویان حسینی، اکبر خلیلی، مرتضی حاجی

محسن هاشمی رفسنجانی و...



أسوه مجاهدان

سرمقاله

دکتر بادامچیان

در طول تاریخ انسان‌های ویژه که از ابعاد مختلف، ویژگی‌های بسیار ارزشمند و ارزش‌گرایی داشته‌اند کم هستند و معمولاً به تعدادی از این‌ها توجه شده ولی شخصیت بسیاری از آن‌ها مغفول مانده است. در انقلاب اسلامی ما نیز متأسفانه به علت سال‌های آغاز قضا یا نسبت به شخصیت‌های ویژه‌ای که انسان‌های نمونه و الگو هستند کمتر توجه شده، البته شخصیت آن‌ها مورد احترام قرار گرفته‌اند اما به بُعد اسوه بودن ایشان پرداخته نشده است از جمله این افراد مرحوم حاج حبیب‌الله عسکر اولادی است، او انسانی است که همه عمر خود را در مسیر خدا گذراند و از همه امتحان‌های گوناگون به توفیق الهی سربلند بیرون آمد؛ زیرا برای این انسان فقط رضای خدای تبارک و تعالی و انجام تکلیف مطرح بود و این دو امر مهم را غیر از تشخیص خود، در خط ولایت امام خمینی و امام خامنه‌ای انجام می‌داد، به همین علت ایشان از آغاز ورود نهضت امام با نظر ایشان وارد صحنه شد و امام خمینی در همان جا تکلیف کردند که شما که برای رضای خدا کار می‌کنید با یکدیگر مؤتلف شوید و سپس در طول مبارزه همه وجودش برای خدا بود. در روزهای دشوار پانزدهم تا هجدهم خرداد که روزهای سرنوشت سازی بود و مطابق نقل ارتشید شاه، فردوست در خاطرات خود که اذعان می‌کند اگر آن روز مبارزان فعال تر بودند رژیم شاه را به سقوط می‌کشانند یکی از کارگردان‌های اصلی مرحوم عسکر اولادی بود که با یاران مؤتلفه در آن روز بالاترین خدمت را در محضر امتی که به پا خواسته بود انجام دادند و عسکر اولادی در این مسیر فرزند کوچکش را که بیمار بود از دست داد اما هرگز این مسئله را مطرح نکرد.

● **هیچ‌گاه از مبارزه و زندان خسته نشد**

در جریان کاپیتولاسیون شاه که پهلوی به آمریکا تسلیم شد و این خیانت بزرگ را علیه

ملت ایران تصویب کرد عسکر اولادی از جمله بزرگ‌ترین کسانی بود که فرمان امام را مبنی بر این که «والله کبیره کرده است هر کس فریاد نزند» لبیک گفت. امتحان او در این جریان این بود که دستگیر شد و ۱۳ سال زندان را دقیقاً با عمل به تکلیف الهی در خط انقلاب انجام داد او هیچ‌گاه از مبارزه و زندان خسته نشد و همواره برای رضای خدا در زندان کار کرد.

در سال ۵۵ هنگامی که در زندان شاه بود و اجماع علمای در خط ولایت مثل آقایان طالقانی، منتظری، ربانی املشی، مهدوی کنی و هاشمی نظر دادند که وظیفه مجموعه این است که از زندان ولو با عفو شاه بیرون بیایند و مبارزه را تحت رهبری امام انجام دهند، عسکر اولادی محکم اظهار کرد که باید مسلمان زندگی کنیم و هنگامی که حکم از سوی امام آمد مشخص شد آن حضرت، نظر عسکر اولادی را تأیید نموده‌اند و وقتی ایشان از زندان بیرون آمد در انتحال شدید ناشی از جوسازی‌های منافقین و آدم‌های بی‌خبر و بی‌اطلاع نسبت به توطئه‌های که رژیم با عنوان جلسه سیاسی گذاشته بود، به سر می‌برد در تمام این مدت یک‌بار عنوان نکرد که امام نظر داده و یا اجماع علمای بزرگ مبنی بر این مهم بوده؛ زیرا هیچ‌وقت نخواست برای خود کاری کند و این جالب است که او در سال ۵۷ همسر باردارش را به خاطر مبارزات از دست داد ولی هیچ‌گاه برای خود در این مسیر چیزی مطالبه نکرد.

● اسوه جوانان

فعالیت او در امداد و خدماتش، همراهی با همه گروه‌های مبارز، نقش او در هیئت‌منصفه مطبوعات در انصاف نسبت به همه گروه‌ها و نقش او در همراهی و اداره امور نقشی ویژه است. حق این است که برای مرحوم عسکر اولادی ویژه‌نامه و فیلم مستند دقیق از همه ابعاد زندگی او ارائه شود تا نسل جوان از این اسوه‌های ارزشمندی که فداکار و ایثارگر بوده‌اند درس بیاموزد و راه آن‌ها را با قدرت و صلابت و اخلاص و صداقت بیشتری ادامه دهد.

درس جانشین پروری

سیدمصطفی میرسلیم

رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی



یادی از بهترین درسی که از مرحوم حبیب‌الله عسکر اولادی آموختم. در کار حزبی بهترین اقدام آن نیست که برانده‌ترین فرد به دنبال مسندی باشد و وقتی به مسندی رسید، همواره در آن مسند بماند؛ ممکن است این ماندگاری نوعی موفقیت برای شخص او باشد ولی معلوم نیست به نفع حزب تمام شود و گاهی اصرار ورزیدن بر آن، خسارت جبران‌ناپذیر به تشکیلات می‌زند.

● بهترین مدیر حزبی

عسکر اولادی اعتقاد داشت بهترین مدیر حزبی کسی است که راه جانشین پروری را آموخته باشد و بدان عمل کند؛ او خود در این باره نمونه بود و پس از چندین نوبت که اعضای شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی موفقیت‌ها و پختگی سیاسی او را دیده و خواستار ادامهٔ دبیر کلی او بودند، در سال ۱۳۸۲ او قاطعانه تصمیم گرفت دبیر کلی را واگذار کند به مدیران جوانتر و استدلال خود را در شورای مرکزی بیان کرد؛ علی‌رغم پذیرش آن استدلال، شورای مرکزی با تصمیم او مخالفت کرد و او چون به آیندهٔ حزب می‌اندیشید فقط یک سال مهلت داد که حزب تجدید نظر کند و برای جانشین او تصمیم بگیرد.

● تضمین دوام حزب

در ۱۳۸۳ شورای مرکزی مرحوم محمد نبی حبیبی را به جای عسکر اولادی به دبیر کلی برگزید. عسکر اولادی یقین داشت که تضمین دوام حزب در جانشین پروری است و رها کردن دبیر کلی برای او به مفهوم رها کردن حزب نبود بلکه به معنای اشراف بر سرنوشت حزب بود در شرائطی که با حضور فعال خود او جوانترها مسئولیت می‌پذیرند. کار او سبک نمی‌شد ولی نوع فعالیت او تغییر می‌کرد تا جوانترها بر مبنای آموزش حزبی وارد صحنهٔ مسئولیت شوند و هنر خطر پذیری را یاد بگیرند. او، الحق، در این زمینه موفق بود. این درس مهم را پیشکسوتان حزب و به‌ویژه جوانان باید از غنائم سیاسی تلقی کنند.





امام خمینی (ره):

مرد بسیار صالح و فداکار

جناب آقای حبیب الله عسکر اولادی را که سوابق طولانی با اینجانب دارند و ایشان شخص صالح و کارآمد متدینی هستند. من آقای عسکر اولادی را خیلی خوب می‌شناسم که ایشان هم نظیر آقای عراقی از اول نهضت همراه بود و زحمت کشید و من او را مرد بسیار صالحی، بسیار فداکاری می‌دانم.

تخلق به معنای واقعی کلمه، روح تدین است؛ صبر، حوصله، انصاف، راه، متانت، راه، گذشت، راه، تلاش، راه، تنبلی نکردن را - این چیزهایی که لازم است - باید یاد بگیریم. خب ایشان در سنین مثلاً هشتاد و خرده ای، از تحرک سیاسی دست برداشته بود؛ این خیلی مهم است که انسان احساس پیری نکند در میدان مبارزه و در کار مبارزه؛ احساس خستگی و تنبلی و انزوا و گوشه نشینی نکند؛ اینها خیلی مهم است.

امام خامنه ای:

۳ خصوصیت مرحوم عسکر اولادی



خدا ایشان (مرحوم عسکر اولادی) را رحمت کند؛ کارهای زیادی کردند و امیدواریم ان شاءالله خداوند ایشان را مأجور بدارد. باید یاد بگیریم. همین سه خصوصیتی که من در مورد ایشان گفتم، هر سه خصوصیت برای ما در واقع درس است: هم خصوصیت تدین، هم خصوصیت تخلق، هم خصوصیت تفکر؛ که آدم حقیقتاً، هم پایبند به مبانی دینی و پایبند به شرع و تشرع باشد - از محرمات الهی اجتناب کنیم؛ حالا محرمات الهی برای افراد مختلف است؛ محرمات الهی بعضی یک چیزهایی است، محرمات الهی ماها یک چیزهای دیگر است؛ غیبت می‌کنیم، غیبت می‌شنویم، خلاف واقع می‌گوییم، قضاوت نادرست می‌کنیم، آنجایی که باید حرف بزنیم سکوت می‌کنیم، آنجایی که باید سکوت کنیم حرف می‌زنیم؛ تخلفات شرعی ما اینها است؛ باید اینها را مراعات کرد، مراقبت کرد - هم آن جهت تخلق را که عرض کردیم؛ این

جای عسکر اولادی کسی نمی‌آید

نگفته است مرجع تقلید. قبلاً این حدیث را اینطور تفسیر می‌کردم که در این عالم ایمان عالمی که غیر از این عالم ماده است که ما معتقدیم همان ایمان، فقاقت، خداپرستی و اعتقاد به ماورای این عالم است هر کدام از اینها نمونه‌هایی هستند که در تاریخ بشریت جای خودشان را دارند که جایگزین ندارد. این طور نیست که بگوییم جای آقای عسکر اولادی یک کس دیگری می‌آید. البته که دوستان در انتخاب جایگزین دقت می‌کنند و خودتان می‌دانید و من در این کارها دخالت نمی‌کنم ولی طبق این حدیث "لایسدها شیء" جای عسکر اولادی کسی نمی‌آید.

مرحوم آیت الله مهدوی کنی:

حدیثی که خواندم در وفات بعضی از علما و مراجع خوانده می‌شود "اذا مات المؤمن الفقیه ثلمه فی الاسلام ثلمه لا یسدها شیء" یک مومن فقیه اگر از دنیا برود رخنه ای در دیوار اسلام پیدا می‌شود که هیچ چیز نمی‌تواند آن را سد کند. مرحوم آقای عسکر اولادی هم مومن بود هم فقیه. یعنی فقط یک مومن خالی نبود. ملا و چیز فهم بود. با قرآن ارتباط داشت تفسیر خوب می‌گفت. فقه می‌دانست. آن چیزی را هم که نمی‌دانست به دنبالش می‌رفت. واقعا مومن فقیه بود. همین طور هوایی حرف نمی‌زد و این حدیث می‌گوید مومن فقیه



از همان زمان جوانی مرد دین بود

آیت الله العظمی وحید خراسانی:



با درگذشت آقای عسکر اولادی خلاء پیدا شد. در سال‌های قبل از انقلاب آن زمان که از نجف می‌آمدیم تهران دو ماه را تهران بودیم بعد برمی‌گشتیم از آن وقت با ایشان ارتباط داشتیم. در چهارراه گلوبندک بودیم، هیئتی آنجا بود از آن‌جا ایشان را می‌شناختیم. از همان زمان جوانی مرد دین بود و با آقای امانی و اینها مکرر می‌آمدند پیغام از مرحوم آقای خمینی برای ما می‌آوردند از ما برای ایشان پیام می‌بردند. واقعا متدین بود و هر کاری که می‌کرد روی عقیده بود. البته معصوم نیست ولی سعی می‌کرد که کارهایش مطابق دین باشد. واقعا نبودنشان خلائی است و مثل او من الان نمی‌بینم. حالا هست یا نه من نمی‌بینم.

در صراط مستقیم

آیت الله العظمی مکارم شیرازی:



از گروه‌هایی که خط و مسیرشان عوض نشد و در آن مسیری که بودند ادامه دادند قبل و بعد از انقلاب موثله است و در رأس موثله هم آقای عسکر اولادی بود که این یک امتیاز مهمی است برای کل موثله و برای شخص ایشان. بعد از انقلاب دیدیم چه حوادثی در سال‌های مختلف در انتخابات و غیر انتخابات به وجود آمد باز هم افرادی ریزش کردند گروه‌هایی ریزش کردند ولی موثله همچنان در همان مسیر باقی ماند واقعا جای شکر است برای موثله که خدا را شکر کنند نه قبل از انقلاب و نه بعد از انقلاب و نه در طوفان‌های مختلف تغییر مسیر و تغییر شکل ندادند و این را باید بگوییم لطف الهی است. یعنی به استجاب رسیدن اهدانا الصراط المستقیم است که در نمازها همه روز تکرار می‌کنیم. الحمدلله موثله این چنین بود و مرحوم عسکر اولادی این چنین بود.

در هر عرصه‌ای فرد ممتاز و تاثیرگذار بود

آیت الله العظمی نوری همدانی:



درباره مرحوم آقای عسکر اولادی من یاد آیه دهم سوره حدید افتادم که خداوند متعال می‌فرماید اشخاصی که اقدام کردند و جهاد و زحمت کشیدند برای پیشرفت اسلام دو دسته می‌کند، دسته کسانی که پیش از فتح مکه بودند و دسته دیگر آنها که بعد از فتح مکه پیوستند. در هر انقلابی اول کسی که پیشقدم است و پرچم را برافراشته معمولاً تنهاست یار و یاور کم دارد. به واسطه توکل و اخلاص و اعتقاد و ایمان گام برمی‌دارد و حرکت می‌کند وقتی پیشرفت حاصل شد افراد بسیاری جمع می‌شوند. مرحوم مغفور آقای عسکر اولادی رحمه الله علیه فردی شاخص بودند، پیشقدم بودند. در هر مرحله از مراحل تعهد بسیار دقیق. از طرفی اهل قلم بسیار قوی و توانمند و پاسخگو از جهت بیان و خطابه. در هر عرصه‌ای فرد ممتاز و تاثیرگذار بودند. از این افراد بسیار کم داریم انقلاب احتیاج به این افراد شدیداً داشت و دارد. در شرایطی که ایران غرق در سکوت و خفقان و اختناق بود و در ظلم و استبداد بود کسانی که به این میدان قدم گذاشتند و توانستند سکوت را بشکنند و شخصیت خودشان را نشان دهند موثله بود و آقای عسکر اولادی در رأس این جمعیت بود.

مصدق دعای صحیفه

آیت الله العظمی جوادی آملی:



دعاهای برجسته صحیفه که صحیفه را کنار قرآن کریم قرار داد این است که خدایا تو که می‌خواهی به مردم خیر برسانی توفیق بده خیر مردم به دست من باشد. اما خدایا توفیق بده متواضع تر باشم، عالمتر باشم، مهربان تر باشم، با تقواتر باشم. وجود مبارک امام سجاد عرض کرد خدایا همه عائله تو اند. تو همه را اداره می‌کنی تو که مستقیماً دیده نمی‌شوی به دست دیگران اداره می‌کنی، به دست مردم اداره می‌کنی، به دست مراجع اداره می‌کنی توفیق بده که به دست من خیر به جامعه برسد. مرحوم عسکر اولادی اینجوری بود.

بهترین نماینده مرحوم امام بود

آیت الله العظمی علوی گرگانی:



مرحوم آقای عسکر اولادی شخصیت بسیار والایی بودند. واقعا فقدان ایشان برای عزیزان و برای ما خیلی مشکل است. واقعا بعضی از عزیزان وقتی از دست می‌روند که جایشان خالی می‌ماند کس دیگری نمی‌تواند جای آنها را پر کند علاوه بر اینکه خداوند برای هر وجودی خاصیت مخصوص به خودش قرار داده و خصوصیتی که مرحوم آقای عسکر اولادی داشت مخصوص به خودشان بود. کسی که همیشه حق را جلو می‌اندازد ولو به ضررش باشد این خیلی مهم است. دنبال حق رفت. زندان رفتن‌ها، فشارها، شکنجه‌ها، آزاروآذیت‌ها همه را در راه حق تحمل کرد. آقای عسکر اولادی بهترین نماینده مرحوم امام بود. خیلی مقام بالایی داشت. ایشان بر خودش هم مسلط بود تسلط بر نفس داشت و این شیطان را کنار گذاشتن است.

همواره حامی انقلاب بود



آیت الله محمد یزدی:

مرحوم عسکراولادی که از نخستین یاران امام عظیم الشان (ره) بود، عمر شریف خود را به مبارزه با رژیم منحوس پهلوی گذراند و در این راه مبارک، زندان و شکنجه‌های فراوانی را متحمل گردید، با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، آن عزیز همواره حامی انقلاب بود و خدمات فراوانی را به ویژه تأسیس کمیته امداد امام خمینی (ره) بر جای نهاد. با رحلت امام عزیز (ره)، نیز آن مرد خدوم همواره یار صدیق رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بود و در فتنه‌ها و صحنه‌های گوناگون، همواره همگان را به پیروی از اصل مترقی ولایت فقیه دعوت می‌کرد.

فردی خداترس و همکاری منصف بود

مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی:

سابقه آشنایی بنده با ایشان و دوستانش به قبل از انقلاب مربوط می‌شود و طی سال‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایشان از جمله دوستان و همراهان خوب و دلسوز یاران انقلاب بود. یکی از خصوصیات خوب مرحوم عسکر اولادی ایمان به خدا و حرکت و اقدام برای جلب رضایت حق بود. ایشان به قول خودشان یار زندان و ایوان بود و سعی کرد از مسیر درست اعتقادی خود خارج نشود و فردی خداترس و همکاری منصف برای مجموعه نیروهای انقلاب بود.



شرح صدرش خیلی بالا بود

حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری:



ایشان شرح صدرش هم خیلی بالا بود. یکی از چیزهایی که باعث می‌شد من خیلی برای ایشان احترام قائل شوم غیر از پیشکشوت بودن و سابقه مبارزات و خدماتشان و بزرگتر بودنشان که همیشه برایم محترم بوده است و هست، غیر از اینها آنچه که باعث می‌شد من واقعا برای ایشان جایگاه ویژه‌ای قائل باشم شرح صدر ایشان بود. به تعبیر آقای پرورش، سینه‌چاک بود و تحمل افراد با نگاه‌ها و دیدهای مختلف را داشت. تنگ نظر نبود. بسط ید و سخاوت داشت. هم در رسیدن به مردم تنگ‌نظر نبود و هم از نظر سیاسی. مهم این است که چهارچوب و اصول داشت و در چهارچوب خودش حرکت می‌کرد اما آدم تنگ نظری هم نبود و با هر کسی با هر تفکر و گرایشی که می‌نشست در عین حفظ چهارچوب خود با احترام و سعه صدر برخورد می‌کرد. امیدوارم انشاءالله مولفه همین سیره و روش ایشان را الگو قرار دهد و جلو برود تا بتواند انشاءالله این راه را پیش ببرد و نیروهای جدیدی را بار بیاورد و کادرسازی کند.

نگاهش نافذ و دردمندانه بود

علی لاریجانی:



سماحت و صبر و متانت ایشان، این سماحت اگر در رجال سیاسی نباشد معمولا آشفتنگی در کشور ایجاد می‌کند و ایشان این خصوصیت را داشت سینه بازی داشت و خیلی مسائل را در خودش هضم می‌کرد و از روی دردمندی سخن می‌گفت. صحبت‌های ایشان برای حزب مؤتلفه نبود حزب یک یادگار خیلی خوب از مرحوم عسکراولادی است ولی نگاهش خیلی نافذ و دردمندانه‌ای بود و شجاعت لازم را هم در مسائل داشت گاهی در جلسات اگر نفر عقب هم بود حرف خودش را صریح می‌زد و این صراحت هم برای خیلی مواقع ضروری است. مجموعه خصال و افکار ایشان خیلی شخصیت جذابی از آقای عسکراولادی ایجاد کرده بود. به هر تقدیر یک ضایعه بسیار تاسف‌باری است و شاید به این سادگی هم جایشان پر نشود نه تنها در حزب مؤتلفه در صحنه سیاسی داخل هم جایگاه ایشان به سادگی پر نخواهد شد.

آیت الله مجتهد شبستری:

بر خلاف ادعای بدخواهان ساده زیست بود



روحانیت علاقه دارد و بر حسب احترام، حاضر نمی شود با حضور من در کمیسیون، ریاست کمیسیون را بر عهده بگیرد.

آیت الله مجتهد شبستری گفت: مرحوم عسکراولادی اقتصاددان قوی بود، اما تا زمانی که من در کمیسیون بازرگانی حضور داشتم و با وجود اینکه به ایشان بسیار اصرار می کردم ریاست کمیسیون را بر عهده بگیرند، حاضر به پذیرش ریاست کمیسیون نبودند.

وی در این رابطه ادامه داد: بیشتر طرح ها و لوایح را با هماهنگی یکدیگر تنظیم می کردیم و همیشه در حین کار و فعالیت از او رفتارهای منطقی و متانت بروز می کرد. مرحوم عسکراولادی همیشه اهل استدلال، تواضع و ادب بود.

عضو مجلس خبرگان رهبری درباره نوع زندگی مرحوم عسکراولادی گفت: مرحوم عسکراولادی از فعالان بازار بود، اما او بر خلاف ادعای بدخواهان زندگی ساده و دور از تشریفات و تجملات را برای خود برگزیده بود و زمانی که سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره) بودند، حقوق اندک و ناچیزی از کمیته امداد دریافت می کردند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: مرحوم عسکراولادی از فعالان بازار بود، اما او بر خلاف ادعای بدخواهان زندگی ساده و دور از تشریفات و تجملات را برای خود برگزیده بود.

● شاگرد ویژه مرحوم آیت الله مهدوی کنی

آیت الله محسن مجتهد شبستری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفتگو با خبرنگار نما، اظهار داشت: مرحوم عسکراولادی یک شخصیت بسیار وارسته و آشنا به علوم حوزوی بود. زمانی من در مدرسه مروی تدریس می کردم که آیت الله مهدوی کنی هم در این مدرسه برای چهار نفر کلاس خصوصی برگزار می کردند و مرحوم عسکراولادی هم در مدرسه مروی به تحصیل می پرداختند و یکی از شاگردان آیت الله مهدوی کنی بودند و بعدها مشخص شد که آیت الله مهدوی کنی مشغول به تدریس درس خارج فقه بودند و مرحوم عسکراولادی هم یکی از آن چهار شاگردی قلمداد می شدند که در کلاس درس خارج فقه آیت الله مهدوی کنی حضور می یافت.

وی در ادامه افزود: مرحوم عسکراولادی به روحانیت بسیار علاقه مند بود و سعی می کرد که حتما شئون روحانیت را رعایت کند و به آنها احترام بگذارد.

● احترام ویژه به روحانیت

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام یادآور شد: زمانی من نماینده بودم و همراه مرحوم عسکراولادی در کمیسیون بازرگانی که الان کمیسیون اقتصادی است، عضویت داشتیم. هرگاه اعضای کمیسیون از مرحوم عسکراولادی می خواستند که او رئیس کمیسیون بازرگانی شود، ایشان قبول نمی کردند و پس از مدتی مشخص شد که چون به

حجت الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم:

رابطه نزدیکی با جامعه روحانیت مبارز داشت



به طور کامل از آغاز انقلاب دنبال کرده و همواره این رابطه به خوبی برقرار بود.

● سیاستمدار

بصیر

مصباحی مقدم اضافه کرد: مرحوم عسکراولادی یک سیاستمدار بصیر و همراه با امام خمینی (ره) بود و بدون هیچگونه مناقشه ای از رهبر معظم انقلاب تبعیت می کرد. همانطور که مرحوم آیت الله مهدوی کنی اشارات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب را دنبال می کردند و به عمل به دستورات آنها بسنده نمی کردند، مرحوم عسکراولادی هم چنین خصوصیتی داشتند.

وی گفت: خدمات مرحوم عسکراولادی در کمیته امداد امام خمینی (ره) به عنوان نماینده حضرت امام خمینی (ره) و بعد از رحلت امام بزرگوارمان، به عنوان نماینده رهبر معظم انقلاب در کمیته امداد بسیار چشمگیر و حکایت از این می کرد که خودش را وقف محرومان و مستضعفان کرده است.



آن شده و دچار افراط و تفریط می شوند به پای اصول ایستاد. خوشبختانه وجود آقای عسکراولادی در گفتار، رفتار، محاسبات و حرکتهای سیاسی و اجتماعی این وجهه را به خوبی حفظ کرد ما به شدت نیازمند تفکرات، روحیه، اخلاص، وفاداری و پاکای آقای عسکراولادی هستیم.

عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز گفت: مرحوم عسکراولادی رابطه تنگاتنگ و نزدیکی با جامعه روحانیت مبارز به خصوص حضرت آیت الله مهدوی کنی داشت.

حجت الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز در گفتگو با خبرنگار نما، گفت: مرحوم آقای عسکراولادی از انقلابیون باسابقه است و از کسانی بود که همیشه در خدمت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی قرار داشت و رابطه تنگاتنگ و نزدیکی با جامعه روحانیت مبارز به خصوص حضرت آیت الله مهدوی کنی داشت.

● ارتباط نزدیک با آیت الله مهدوی کنی

وی افزود: رابطه ایشان با آیت الله مهدوی کنی به گونه ای محبت آمیز و نزدیک بود که به رابطه مرید و مرادی قابل تفسیر بود و مکرر شاهد بودم که مرحوم عسکراولادی در مسائل سیاسی با آیت الله مهدوی کنی مشورت می کردند به خصوص اینکه در جریان انتخابات مجلس و ریاست جمهوری با ایشان شور داشتند و نحوه برخوردشان این بود که آقا ما آمدیم کسب نظر کنیم و دیدگاه شما را بدانیم تا اینکه چه کنیم. عضو مجلس خبرگان رهبری ادامه داد: این مشی را جریان مولفه

مردی برای تمام اصول

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی پورمحمدی:

آقای عسکراولادی از شخصیت‌های برجسته، ممتاز و استوار در راه اصول انقلاب است و تعبیر من نسبت به وی این است که آقای عسکر اولادی مردی برای تمام اصول هستند. آقای عسکراولادی واقعا چه در قیل از انقلاب و زمان مبارزه و زندان و چه در اوج پیروزی انقلاب و پس از آن تا زمان رحلت به پای همه مبانی اصولی نظام و انقلاب و ارزش‌های دینی وفادارانه ایستاد و مقاومت کرده وی گام به گام در یک مسیر استوار و متین به همه ارزش‌هایی که ایمان و باور داریم ایستاد و بدون حاشیه‌ها و ملاحظات و فراز و فرودهایی که سیاستمداران گرفتار

حامی جنبش مقاومت اسلامی بود



که در آن زمان رسانه ای کردم گفتم که آقای عسکر اولادی الگوی بر خورد منطقی با سلیقه های مختلف را پیاده کردند.



زیر چکمه‌های استعمار دست و پا می‌زنند، از این ذلت در بیابوریم و به سمت اسلام ناب سوقشان بدهیم. و در قدم سوم می‌خواهیم جهان که بر طبل بی‌خدایی و کفر دارد می‌کوبد، به سمت یک معنویت خواهی و عدالت خواهی سوق بدهیم تا بعد از این سه قدم امام زمان تشریف بیاورد. آقای عسکر اولادی شما از الان ترسیدی؟ درود خدا بر آن پیری که آن چیزی که دیگران در آینه نمی‌دیدند او در خشت خام می‌دید. سال ۴۲ ظلمت محض بود. می‌گفت کار سنگینی در پیش داریم.



در قامت قضا به دادگاه آمده بود و به پیروی از مولا و مقتدای خویش حضرت امیر علیه السلام به خود اجازه نمی‌داد میان شاکي و متهم به اندازه یک سلام و علیک گرم فرق بگذارد. بعدها ماجرای آن روز را برای حضرت آقا گفتم فرمودند آقای عسکر اولادی مرد خداست و از مردان خداجوی غیر از این انتظار نمی‌رود.



حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله:

شکی نیست که حضور ایشان از نفس‌های مبارک امام رحمة الله علیه بوده و تمامی موفقیت‌ها با دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه یافته است. لازم به ذکر است که آقای عسکر اولادی با خدمت به محرومین در لبنان زمینه‌ای را فراهم کرد که جنبش مقاومت اسلامی بتواند با همت بیشتر به پاکسازی لبنان از اشغالگران صهیونیستی و سلطه گران بپردازد لذا خداوند متعال خواهانیم تا روح ایشان را در اعلا علیین قرار دهد. ما هم عهد و پیمان می‌بندیم که امانت‌هایی که از ملت ایران و رهبری در بین ما گذاشته شده را با تمام وجود همان‌طور که شهید سید عباس موسوی گفت حراست کنیم.

الگوی برخورد منطقی با سلیقه های مختلف بود

آیت الله سید احمد خاتمی:

خاطره شیرین من گفتگوی مکتوب با ایشان بود. من در مورد آقایان موسوی و کروبی معتقد بودم و هستم که تا الان نیز اینها را سران فتنه در داخل هستند و کیست که نداند معرکه گردان و صحنه گردان آمریکا و رژیم صهیونیستی بود. من و آقای عسکر اولادی در نهایت یک حرف را می‌زدیم. ایشان می‌گفتند معرکه گردان آمریکاست و سران فتنه آنها هستند و من هم همین را می‌گویم اما معتقدم در داخل کسانی که این معرکه را گرم کردند، اینها بودند. در هر حال بسیار مودبانه و متین برای من نامه نوشتند و توضیح دادند و من نیز در نامه‌ای

غرق در آرامش امام

حجت الاسلام والمسلمین مسعود عالی:

خدا رحمت کند آقای عسکر اولادی را، ایشان یک خاطره‌ای داشت. سه چهار سال قبل از مرحوم شدنشان در قم آمده بود، من از زبان خود ایشان نقل می‌کنم. ایشان می‌گفت هنوز امام در قم بود و ایشان را دستگیر نکرده بودند و بیابورند تهران و تبعید کنند. من یک پیامی از مبارزین تهران خدمت امام می‌بردم. در راه فهمیدم تحت تعقیب هستم. خیلی ترسیدم و ترسم هم فقط به خاطر خودم نبود. اسامی ۳۰، ۴۰ نفر از مبارزین را می‌دانستم، ترسم این بود که من را بگیرند و زیر شکنجه آنها را لو بدهم. با همین اضطراب و ترس به سمت منزل امام رفتم. هر موقع برمی‌گشتم می‌دیدم تحت تعقیب هستم. خودم را در خانه‌ی امام انداختم. وارد که شدم دیدم آقا آمده کنار حوض برای وضو گرفتن. تا من را دید که رنگم پریده و مضطرب هستم، همه چیز را فهمید. امام با آن آرامش دریایی خودش، من را آرام کرد. بعد به من فرمود آقای عسکر اولادی ما می‌خواهیم حرکتی را شروع کنیم در ایران که بعد از ۳۰ سال پرچم امیرالمؤمنین و اهل بیت و دین در این کشور بالا برود، این اولین قدم ماست. در قدم دوم می‌خواهیم کشورهای اسلامی که ذلیلانه دارند

آقا فرمودند عسکر اولادی مرد خدا است

حسین شریعتمداری:

سالها بود که او را می‌شناختم قبل و بعد از انقلاب وقتی با هم روبرو می‌شدیم به گرمی استقبال می‌کرد. آن روز اما ماجرا متفاوت بود به عنوان متهم و با شکایت شیرین عبادی، عمادالدین باقی و اسفندیار رحیم مشایی در دادگاه حاضر شده بودم. او عضو هیئت منصفه بود. وارد دادگاه شد به روال همیشه سلام گرمی کردم. جواب او اما مثل همیشه گرم و صمیمانه نبود. خون‌سرد و آرام با همه سلام و علیک کرد همان گونه که با من. برای چند لحظه مات و مبهوت شده بودم چرا این همه سرد؟ انگار نه انگار سالهاست همدیگر را می‌شناسیم. حیرتم به درازا نکشید و خیلی زود متوجه موضوع شدم از ژرفای دل به او آفرین گفتم

بدون ملاحظه هیچ کس جانب حق را می گرفت



مرحوم محمدنبی حبیبی:

مرحوم استاد عسکر اولادی رفتار مدیریتی مبتنی بر نهایت خضوع و احترام را نسبت به اشخاص تحت مدیریتشان داشتند این احترام را نسبت به همه افراد ابراز می کردند. کسانی که در عرف اداری سمتی بسیار ساده یا به طور مثال سمت معاون ایشان را داشتند به طور مساوی از این احترام برخوردار بودند. اما این احترام مانع اعمال قاطعیت در تصمیمات و اجرائیات از طرف ایشان نمی شد به خصوص در مواقعی که امر بین یک حق و غیر حق دائر بود ایشان بدون ملاحظه هیچ کس جانب حق را می گرفتند. ایشان با تک روی در جمع به شدت برخورد می کنند و این بنده صدها بار شاهد بودم که وقتی تصمیمات جمع خلاف نظر ایشان بود ولی با حقی هم تعارض نداشت تسلیم نظرات جمع بودند. ایشان در اتخاذ تصمیم و اعمال مدیریت مسلط بر من خودشان بودند و اگر کسانی من خودشان را استنار می کردند

و تصمیمات جمعی در قالب مصلحت جمع این من را می پوشاندند با برخورد قاطع ایشان مواجه می شدند در این برخورد هم ضمن اعمال قاطعیت، هدایت آن شخص یا اشخاص را در نظر داشتند.

شهید حجت الاسلام والمسلمین خرسند:

من یادم هست که آقای عسکر اولادی درخواست ملاقات با مرحوم شیخ جواد تبریزی را داشتند که ایشان از مراجع علم و بزرگان آن زمان بود و خب در تابستان گرم قم قرار داشتیم و برنامه های مرحوم شیخ جواد تبریزی برای آن روز پر بود. وقتی به ایشان اطلاع دادیم که آقای عسکر اولادی درخواست ملاقات دارند ایشان وقتی در زمان ۳ الی ۴ بعد از ظهر در گرمای تابستان داد و فرموده بودند که فلانی را نمی شود که ما نبینیم و یک وقت خارج از مقرری را تعیین کردند. در همراهی مرحوم عسکر اولادی ملاقات هایی با ایت الله وحید خراسانی داشتیم که احترام آیت الله وحید خراسانی را نسبت به ایشان مشاهده کردم و برخی از مسائلی که مربوط به مسائل فرهنگی کشور بود را بنابر اعتمادی که داشتند به ایشان منتقل کردند و آن مرحوم نیز این مسائل را پیگیری کردند. آیت الله صافی گلپایگانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله نوری همدانی و آیت الله شبیری زنجانی عنایت ویژه ای به آن مرحوم داشتند و در تمام این ملاقات ها من نیز حاضر بودم و احترام فوق العاده ای همه این بزرگواران نسبت به آقای عسکر اولادی داشتند.

پیش مراجع احترام فوق العاده ای داشت



مخلص و خستگی ناپذیر بود

مرحومه فاطمه رهبر:

بلکه برای نظام یک ستون محسوب می شد و شاید نتوان این همه خصلت را در فرد دیگری سراغ بگیریم. به هر طریق همه ما از وجود ایشان محروم شدیم شخصیتی که خودش را وقف انقلاب کرده بود. اگر بخواهیم یک شاخصه بسیار مهم و یک شان برای ایشان قائل شویم ولایت مداری و ولایی بودن حاج آقای عسکر اولادی بود که برای همه برای ما می تواند درس باشد.

حاج آقای عسکر اولادی روح بزرگی داشتند و اقدامات بزرگی انجام دادند. شخصیتی که از ایشان سراغ داریم خصایص و خلق و خوی اخلاقی ایشان که شخصیتی فهیم، دانا، مخلص، مجاهد پرتلاش، صبور و خستگی ناپذیر و دهها خصلت حسنه را می توانیم نام ببریم. این خصایص پیری را برای ما ساخته بود که شاید نه تنها برای حزب موثله



حمیدرضا ترقی:

شخصیت جامعی مانند عسکر اولادی در جریان اصولگرایی نداریم



نیروهای انقلابی ایفا کند و همیشه محور وحدت و انسجام باشد و فصل الخطابی برای تصمیم‌گیری نهایی نیروهای انقلاب تلقی شود.

با نگاهی به جریان اصولگرایی به نظر می‌رسد بعد از ارتحال ایشان، شخصیتی در طرازشان پا به میدان سیاست نگذاشت، آیا این مسئله صحیح است؟

بعد از درگذشت ایشان، ما تقریباً شخصیتی که جامعیتی مثل ایشان داشته باشد؛ به‌ویژه در بین نیروهای

غیرروحانی نداریم و شخصیت‌هایی که باقی ماندند اولاً از سابقه طولانی مدت در انقلاب

در دوره امام و رهبری برخوردار نیستند و ثانیاً این مقدار انصاف و عدالت در

کمتر کسی پیدا می‌شود و نکته سوم این است که ایشان هم درس

طلبگی خوانده بودند و هم عنصر سیاسی بودند؛ بنابراین پیدا کردن

چنین شخصیتی در بین نیروهای اصولگرا و انقلابی کار دشواری است

و شخصیت ذوجنبنی مانند آقای عسکر اولادی در بُعد سیاسی و مذهبی

نداریم و کاملاً فقدان ایشان احساس می‌شود و از زمان درگذشتان نتوانستیم

جمعی که همه آن را قبول داشته باشند به‌عنوان محور جریان اصولگرایی تثبیت کنیم.

خلأ وجودی مرحوم حبیب‌الله عسکر اولادی در جریان اصولگرایی و آسیب‌شناسی نبود این مرد بزرگ، موضوع گفتگوی کوتاهی با حمیدرضا ترقی، فعال سیاسی و عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی است: آقای ترقی، به نظر شما چرا مرحوم استاد عسکر اولادی را می‌توان به‌عنوان استوانه اصولگرایی برشمرد؟

آقای عسکر اولادی در زمره سابقون سابقون بودند، ایشان نقش مهمی در شکل‌گیری انقلاب در کنار حضرت امام داشتند و از معتمدین آن حضرت بودند، همچنین در جریان مبارزه همواره همراه امام بودند و مبارزه دوم را نیز با ایشان در فرانسه و نوفل‌لوشاتو آغاز کردند؛ از همین جهت از جایگاه ویژه‌ای در بین نیروهای اصولگرا برخوردارند.

چه رفتارهای سیاسی و اجتماعی سبب شد تا این مقوله توسط سایرین هم پذیرفته شود؟

ارتقاء تقوا و انسانیت در ایام مبارزه و زندان و تبدیل شدن به شخصیت منصف و عادل در قضاوت منجر شد تا ایشان در کردار و کنش

سیاسی مورد توجه قرار گیرند و همه افراد نیز به توانمندی‌شان در حل و فصل اختلافات و مسائل

و رفع دیدگاه‌های متضاد اطمینان و اعتقاد داشته باشند و به‌واسطه ارتباط تنگاتنگ با امام و رهبری این

اطمینان را به نیروهای اصولگرا و انقلابی می‌داد که آنچه ایشان مطرح و داوری می‌کند، نزدیک‌ترین نگاه به ولایت و رهبری

جامعه اسلامی است؛ لذا توانستند چنین نقشی را بین



محمد رضا باهنر:

از نفوذ کلام بسیار بالایی برخوردار بود

بالایی برخوردار بود، گفت: با وجود اینکه مرحوم عسکر اولادی دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی بودند، اما خیلی بزرگتر از حزب مؤتلفه فکر می‌کردند و به‌عنوان چهره مطلوب در میان فعالان سیاسی تلقی می‌شدند و حتی احزاب رقیب هم مرحوم عسکر اولادی را به خاطر رعایت ادب و انصاف می‌ستودند.

دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین با بیان اینکه مهمترین نگرانی مرحوم عسکر اولادی نسبت به آینده انقلاب به موضوع انسجام و وحدت باز می‌گشت، خاطر نشان کرد: او شاکله و تیرک نظام را همواره رهبری می‌دانست و چه در زمان امام خمینی (ره) و چه در زمان رهبر معظم انقلاب اسلامی همیشه توصیه می‌کرد که به این ریسمان محکم همیشه چنگ ببندد و این را رها نکند.

باهنر گفت: پاشنه آشیل کشورمان این است که دشمن بتواند بین ملت، امت و امام تفرقه بیندازد و این تفرقه می‌تواند خرابی بسیاری را به همراه داشته باشد و مرحوم عسکر اولادی هم از این موضوع نگران بود.



دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین گفت: مرحوم عسکر اولادی از نفوذ کلام بسیار بالایی برخوردار بود.

محمد رضا باهنر، دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین در گفتگو با خبرنگار نما اظهار داشت: مرحوم عسکر اولادی در تمام دوران زندگی خود معتقد بودند که عالم محضر خداست و این را با تمام وجود حس می‌کردند.

وی افزود: مرحوم عسکر اولادی در دوران پیری خود از دل جوانی برخوردار بود و جالب بود که تمام افراد از سن و سال‌های مختلف را جذب صحبت‌های دلنشین خود می‌کرد.

این فعال سیاسی اصولگرا یادآور شد: تسلط ایشان به معارف اسلامی و تفسیر قرآن بسیار بالا بود و مرحوم عسکر اولادی از قدرت حافظه بسیار بالایی برخوردار بود و در اواخر عمر خود از خاطراتشان که به سال ۱۳۴۲ باز می‌گشت برای ما می‌گفتند و در موقع نقل خاطراتی از امام خمینی (ره)؛ لحن امام (ره) و بلندی و کوتاهی صدای امام راحل و جملاتی که حضرت امام با تقطیع یا پشت سر هم با اعصابیت می‌فرمودند را به صورت سمعی و نظری این خاطرات را تعریف می‌کرد.

باهنر بیان کرد: آخرین جلسه‌ای که با مرحوم عسکر اولادی داشتم در ساختمان قدیم کمیته امداد بود و در این جلسه قرار بود که مشکلات پیش روی جبهه خط پیروان امام و رهبری بررسی و مرور شود و ایشان هم ریاست جبهه را برعهده داشتند و این جلسه حدود پنج ساعت به طول انجامید و مرحوم عسکر اولادی در این جلسه طولانی تمام مباحث را با حوصله شنیدند و جمع بندی کردند و متأسفانه بعد از پایان جلسه ایشان به بیمارستان منتقل شدند و عمر پربهرکتشان به پایان رسید.

وی با بیان این مطلب که مرحوم عسکر اولادی از نفوذ کلام بسیار

بوسه‌ها را تحویل میرزا حبیب‌الله بده

خاطره ام با او که هیچ کس ندارد روز شنبه بود که ایشان شیش بیهوش شد. آخرین ملاقات با او را من کردم شنبه که سه‌شنبه اش فوت کرد من آخرین نفری بودم که بعد از ظهر روزشنبه پیش ایشان بودم حالش خوب خوب بود از تخت آمد پایین روی مبل پهلوی من نشست با هم خیلی حرف زدیم چند تا درد دل هم برای من کرد وصیت کرد چند تا چیز هم گفت پا شد همراه من رفتیم چند تا از مریض‌های داخل بخش را عیادت کردیم بعد آمد نشست گفتم ما اتاق را در خانه درست کردیم دوشنبه می‌رویم خانه گفت نیمای خانه اگر می‌خواهی به من خدمت کنی الان من را بردار ببر امداد کار ۷-۸ نفر را راه بیاندازم برای من قیمت اش بیشتر از رفتن خانه است به او گفتم داداش نمی‌شود باید بروید خانه مرخص شدید گفت نه من مرخص نشدم مرخصی من این است که الان با هم برویم امداد بنشینیم تا من کارهای مردم را راه بیاندازیم اگر ۸ تا ۱۰ تا کمک کنم این برای من شیرین تر است.



مرحوم اسدالله عسکر اولادی:

من راهم جدا بود من دنیا را انتخاب کرده بودم او آخرت را کارمان به هم هیچ ارتباطی پیدا نمی‌کرد ایشان وقتی انقلاب شد قبل از سال ۵۶ از زندان بیرون آمد و از سال ۵۵ رفته بودم عراق آخر سال ۵۵ بود که ایشان آزاد شدند رفتیم عراق. گفتم می‌خواهم بروم امام را ببینم تو هم بیایا بریم گفت ممنوع الخروج نمی‌توانم و من رفتم نجف خدمت امام اول مرا نمی‌شناختند و راهم نمی‌دادند و وقتی گفتم داداش حبیب‌الله هستم و به اعتبار حبیب‌الله خدمت امام رفتم امام مرا بوسید. خاطره خیلی عجیبی بود امام در نجف در زیرزمین بودند من رفتم خدمتشان حاج احمد بود یا پسر بزرگ امام یادم نیست حاج آقا مصطفی بود، اما من را بغل کرد گفت برادر حبیب‌اللهی؟ گفتم بله من را سه چهار تا ماچ کرد و گفت مال تو نیست گریه کرد و گفت ببر تحویل میرزا حبیب‌الله بده. بزرگترین ویژگی اش گذشت و ایثارش بود، کمک به دیگران بود. آخرین



خطرپذیر در راه هدفش بود

و با تمام خطرهایی که در مورد این قضیه وجود داشت چون ساواک فضا را محدودتر کرده بود تا به حاج صادق برسد. آقای عسکر اولادی بلافاصله گفته بود: "بیاورید منزل من." خود من آن شب اطلاع نداشتم که به منزل ایشان برده اند. فرداشب که قرار بود حاج صادق امانی جابجا شود به من زنگ زدند، رفتم منزل آقای عسکر اولادی و دیدم حاج صادق و شهید عراقی آنجا هستند. آقای عسکر اولادی به من گفتند "فلانی حاج صادق را ببر منزل فلانی." تازه متوجه شدم آن شب آقای عسکر اولادی با توجه به شرایط دشوار خانوادگی با آغوش باز این خطر را به عنوان یک وظیفه پذیرفته و ایشان را نگه داشته بود. این خطرپذیری ایشان در مورد مکتب و ترسیم کردن آن شرایط و آن فضا خیلی مهم است. چقدر ایثار می‌خواهد که انسان در چنان شرایطی این آمادگی را در خود ایجاد کند.

مرحوم ابوالفضل حاجی حیدری:

در جریان نهضت و فعالیت‌های سیاسی قبل از انقلاب خاطره‌ای که به خصوص در این چند روز خیلی در ذهنم پررنگ شده است بحث خطرپذیری ایشان در راه هدف بود. بعد از اعدام انقلابی حسنعلی منصور و دستگیری برادرهای اولیه، ساواک و شهربانی و همه تجهیز شده بودند شهید حاج صادق امانی را دستگیر کنند. ایشان هم هرشب جابجا می‌شدند. یک شب که قرار بود جای ایشان عوض شود بعضی از برادرها آمادگی نداشتند، خداوند تازه به آقای عسکر اولادی علیرضا خان فرزند سوم از خانم اولشان را داده بود. این بچه و خانم آقای عسکر اولادی مریض بودند در شرایط بگیر بگیر و خفقانی که وجود داشت متوجه شد امشب شهید صادق امانی جایی ندارد که بماند با تمام مشکلاتی که در خانه بود



هرگز برای خود جایگاه خاصی قائل نبود



دارم از الی الله و عنایت رسول الله است، ایشان این طور فکر می کردند و خودشان را در نظر نمی گرفتند این بود که شخصیت ایشان را در این حد محفوظ نگه می داشت.

در پایان گفتگو لطفاً خاطره‌ای از ایشان برای خوانندگان ما بگویید؟

خاطره بسیار زیاد است اما از مجموعه این خاطرات باید بگویم ایشان به شدت متواضع و فروتن بود و به احترام متقابل در دوستی و مرادات اهمیت می داد وقتی وارد مجلسی می شدند در هر نقطه‌ای وارد می شدند همان جا می نشستند و هرگز برای خودشان جایگاه خاصی قائل نبودند نگاه به کارهای فرهنگی و مسائل قرآنی و تفسیر موضوعاتی است که هر یک، یک خاطره و یاد خوب است و نمی توان آن‌ها را خلاصه کرد.

جمعه های کاری

مرحوم عسکر اولادی انسانی بود با ویژگی‌های خاص و شاید آنچه در میان همکاران بسیار مورد توجه قرار می گرفت عنایت

ایشان به مشورت و همفکری بود و عمل به آیه "وامرهم شوری بینهم" و البته حسن خلق و ادبیات متخلق به اخلاق اسلامی در نوع برخورد با تک تک همکاران از ویژگی‌های بارز مرحوم عسکر اولادی بود. تاکید بر توجه به دغدغه‌ها و مسائل مراجعین هم از دیگر نکاتی بود که همکاران حاج آقا همواره از ایشان به خاطر خواهند سپرد. اینکه نامه‌های دریافتی را حتماً باید خودشان با دقت می خواندند تا راهی برای باز شدن گره ای بیابند و دقیقاً هم به همین دلیل بود که قبل از ورود به هر کار دیگری خواندن نامه‌ها در اولویت قرار داشت تا یا قرار ملاقات حضوری گذاشته شود یا دستور پیگیری صادر شود. مشکلات خاص فضایی بود برای دیدار حضوری خانواده‌ها با مرحوم عسکر اولادی که البته نه فقط نویسنده نامه بلکه همه اعضای خانواده باید در این دیدار حضوری شرکت داشتند تا مشکلات به صورت جمعی شنیده و حل شود. روزهای جمعه فرصت مخصوص این دیدارها بود، هر کس در زمان وساعتی خاص مگر روزهایی که چون راهپیمایی ۲۲ بهمن که هم مقید به حضور خود بودند و هم نمی خواستند خانواده‌ای را از شرکت در این گونه مراسم منع کنند.



حاج حبیب‌الله توسلی از آن مردهای نیک روزگار است که از سال‌های دور با استاد عسکر اولادی آشنا بوده و او را مرشد و مراد می داند، نشست‌ن پای حرف‌های دلنشین او در باره، شخصیت برجسته تاریخ انقلاب اسلامی یعنی حاج حبیب‌الله عسکر اولادی خالی از لطف نیست:

حاج آقا، شما چگونه با استاد عسکر اولادی آشنا شدید؟

ما با ایشان نسبت فامیلی داشتیم و از دوران طفولیت خودم با ایشان در ارتباط بودم و حتی قبل از بازداشت ایشان و قبل از سال ۴۲ به یاد دارم در دوران کودکی مشغول بازی بودم که ایشان ما را راهنمایی می کردند و سابقه آشنایی ما به ارتباط فامیلی برمی گردد.

کدام ویژگی مرحوم عسکر اولادی بیشتر از سایر ویژگی‌ها برای شما و اطرافیان جذاب بود؟

استاد عسکر اولادی به عنوان یک معلم اخلاق و معلم بزرگواری که به کوچک‌ترین مسائل حاشیه‌ای توجه می کرد و عنایت ویژه‌ای به جوانان و نوجوانان داشت و حتی کودکانی که در آستانه ورود به نوجوانی بودند با اشتیاق مورد پذیرش ایشان قرار داشتند و به آن‌ها توجه می کرد.

یکی از خصوصیات که ایشان به آن اهمیت می داد، سعی بر این بود که با دوستان مروت داشته باشد و با دشمنان مدارا در نقل خود این شخصیت هست که می گفتند من حتی با دشمنان خودم کار می کنم، این موضوع مهمی است که هر کسی ظرفیت آن را ندارد، در روز تشییع پیکرشان نیز این مسئله مشهود بود، دیدیم از همه اقشار و طیف‌ها برای بدرقه‌شان حضور به هم رسانیده بودند و اصولاً عدالت ایشان و انصاف در برخورد سبب شد تا این اتفاق رخ دهد.

به نظر شما قوام چنین شخصیتی ناشی از چیست و به چه علت ایشان مورد پذیرش و علاقه دوست و دشمن واقع می شدند؟

عامل اصلی این موضوع، آن است که ایشان برای خودشان شخصیت خاصی قائل نبود و معتقد بودند که من از خودم چیزی ندارم و هر چه

اساس زندگی ایشان در خانواده قرآن کریم بود

اگر بخواهم تعبیری برای مرحوم حاج آقای عسکر اولادی داشته باشم می توانم

بگویم شهید تدریجی زیرا که ایشان اولین فعالیت سیاسی خود را همان سال‌های جوانی شروع کردند که ۱۶ سال بیشتر نداشتند و بعد هم با قیام امام در کنار امام و باران وفادار امام بودند که اکثر آنها به درجه رفیع شهادت نائل شدند و مرحوم عسکر اولادی تمام فراز و نشیب‌های قبل و بعد از انقلاب را درک کرده بودند و عاشق شهادت و به دنبال وظیفه خود بودند و همیشه می فرمودند "العبد یدبر و الله یقدر" و همیشه تدبیر می کردند و امید به تقدیر الهی داشتند. بنده خاطره ای نقل کنم که شهید عراقی چند روز قبل از شهادتشان به مرحوم عسکر اولادی گفتند که عسگری دیگر شهادت درش بسته شد و من و تو دیگر آرزوی شهادت را به گور خواهیم برد، من و تو در رختخواب حرام می شویم. مرحوم عسکر اولادی در جواب گفتند ما به دنبال وظیفه هستیم تقدیر با پروردگار است. واقعاً اساس زندگی ایشان چه در خانواده و چه در جامعه قرآن کریم بود که هر کس به اسلام و مسلمین می خواهد خدمت کند باید با سرمایه ایمان، علم، فضیلت، عدالت و تقوا باشد.



انحراف و اعوجاجی در ۶۵ سال مبارزه نداشت

ایشان است. امام صادق می فرماید مومن باید خوش بر خورد باشد هر وقت به من می رسید با پاکی و محبت همیشگی می گفت یا ابوالفضل.



که همیار محرومین و مظلومین بود مردم دوستشان داشتند. به خاطر بینش و تدین درست ثابت قدم بودند گاهی می بینید کسی اول عمرش جزو شهدا است آخر عمرش جزو اشقیاء ولی ایشان از اولین روزهای زندگی اش ۱۴ ساله بود من با ایشان ارتباط داشتم تا آخرین روزهای عمرش که ۸۱ سالش بود از خط مستقیم اسلام انحراف و اعوجاجی نداشت. یکی از ویژگی های بزرگ ایشان در طول این سال ها ۶۵ سال مبارزه کند اعوجاج نداشت باشد دیانت و بینش درستش ایشان را به انحراف نکشانند. خوش برخوردی ایشان برای من یکی دیگر از خصوصیات اخلاقی

ابوالفضل توکلی بینا:

ایشان در همه زمینه ها اسوه بود در کسب تجارتش سلامت زندگی کرده بود آدم پولداری نبود زندگی ساده ای داشت. در دیانت و تحصیلش در دوران مبارزه اعوجاجی نداشت مقاومت و استقامت و بینش خویش این را به آنجا رسانده بود اول مسلمان بود بعد مبارز برخلاف حزبی ها و سیاسیون که اول حزبی و سیاسی بودند بعد دیندار ولی ایشان تدین و روشن بینی اش راهگشا بود. اهل خیر بود یکی از ویژگی های عسکر اولادی کارهای خیر بود که گشایش امور محرومین را انجام می داد. پادم نمی رود در طول سال هایی

اعتقاد به وحدت بود. بسیاری از مواقع اگر ایشان حضور نداشتند وحدت به وجود نمی آمد. هم در مورد بازار و مسائل و مشکلات متعددی که داشتیم و از آن مهمتر اینکه شاید یکی از مهمترین دلایلی که افراد و جناح های مختلف در جبهه پیروان خط امام و رهبری توانستند به وحدت برسند، تدبیر آقای عسکر اولادی بود. ایشان در بسیاری از مواقع مشکلات را حل می کردند. از طرفی آقای عسکر اولادی حقیقتاً انسان متواضعی بودند. شاید کمتر کسی در کنار آقای عسکر اولادی می نشست و حرف ایشان را نمی پذیرفت چون می دانست ایشان جز خدا و رضای او چیز دیگری را مد نظر ندارد.



هرگز یک طرفه قضاوت نمی کرد

احمد کریمی اصفهانی:

جایگاه آقای عسکر اولادی نه تنها به دلیل اینکه همواره معتمد امام بودند بلکه شخصیت خود ایشان هم شخصیت ویژه ای بود لذا در جلسات متعدد حضور داشتند مجموعه شخصیت خود ایشان به اضافه آن جایگاه می توانست بسیاری از مشکلات و معضلات ما را حل کند. نقش ایشان فقط در شورای معتمدین برجسته نبود بلکه در جبهه پیروان خط امام و رهبری هم فرد برجسته این جبهه بودند. ایشان همیشه هم مدافع بازار و اصناف نبودند بلکه همواره نگاه فرا جناحی داشتند. شخصیت ایشان به گونه ای بود که وقتی برای اصناف و بازار صحبت می کردند همواره منافع نظام و منافع مردم و اینکه مردم به حقشان برسند مد نظر ایشان بود و همیشه بر اساس این مصالح حکم می کردند و نه بر اساس حمایت از صنف و گروه خاصی. هرگز یک طرفه قضاوت نمی کردند که مثلاً حق را به دولت یا اصناف و بازار بدهند. این ویژگی فوق العاده مهمی است که معمولاً کمتر کسی از آن برخوردار است. جلسات بازار و جبهه پیروان معمولاً یکی تشکیل می شدند. یکی از شاخص های آقای عسکر اولادی

دفاع از انقلاب و رهبری بود ایشان کاملاً به عنوان یک نیروی مطیع رفتار کرده و هر جا بوده است خود را با فرمایشات رهبری تطبیق داده است، از خصوصیاتشان در رابطه با مسائل انقلاب و علم و باور و عمل به مسائل مرتبط با آن همواره شاهد هستیم که فعل و باور ایشان یکی بوده است. آقای عسکر اولادی سعی داشت در رابطه با مسائل دینی و انقلابی بدون توجه به قیمت و هزینه ای که به شخص خودشان تحمیل می شد، به عنوان وظیفه در حوزه های مختلف انجام وظیفه کرده و گاهی خیلی از دوستان نزدیک به ایشان ایراد می گرفتند به عنوان مثال در رابطه با مهندس موسوی و یا موارد مشابه، این در حالی است که سکوت و اقدام و سخن او بر اساس موازین علم و باور و عمل بوده است و مقلد تمام معنادر همه حوزه های دینی و انقلابی از مقام معظم رهبری و حضرت امام بود.



مهم در سایه تماس و ارتباطات با علما و بزرگان دین به صورت باور دینی در ایشان حاصل شد و هزینه های آن را پرداخته است، در تأسیس مؤتلفه اسلامی از ۱۵ خرداد، از حضور امام و عمل به دستورات رهبر و در رابطه با تصمیماتی که پیش از انقلاب در مراحل مختلف گرفتند، در داستان مرتبط با مدرسه فیضیه، در برهه تظاهراتی که مربوط به تهران بود، در اعدام انقلابی منصور و همه اقداماتی که منجر به انقلاب شد حتی از زمان آیت الله کاشانی در جریانات سیاسی از ابتدای جوانی بوده است. در نهایت وقتی مقلد واقعی امام شد تمام دستورات ایشان را به ریز در زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی خود عمل کرد و هر جا بحث مسائل انقلاب پیش آمد هیچ گاه منافع شخصی، حزبی و گروهی خود را در نظر نگرفت.

سکوت، اقدام و عمل بر اساس موازین الهی

بعد از انقلاب نیز هر جا احساس وظیفه کرد، وارد اقدام و عمل شد، در مراحل مثل تأسیس حزب جمهوری، حضور در جریانات تغییر و تحول مؤتلفه اسلامی و در جریان اختلافاتی که حول محور جریانات سیاسی در کشور پیش می آمد، همیشه ملاک و شاخص ایشان رضای خدا،

از جوانی معتقد به حکومت اسلامی بود

یحیی آل اسحاق:

از خصوصیات پیامبران الهی و اولیاء و کسانی که به صورت خالص در معرض ایمان الهی هستند این است که به هر آنچه علم دارند، باور دارند و به هر آنچه باور دارند عمل می کنند و این مسئله جزو خصوصیات پیامبران و اولیاء الهی است بعضی از افراد با ایمان نیز سعی شان بر این بوده در طول زندگی به این خصوصیت تمکین کنند و افرادی که این سه مرحله را رعایت می کنند نزدیک به بزرگان الهی هستند. مرحوم آقای عسکر اولادی یکی از این نمونه ها بود؛ یعنی هر چیزی را که به علم صحت آن رسیده بود، آن علم را باور داشت و به آن عمل می کرد و سود و زیان شخصی برای آن قائل نبود.

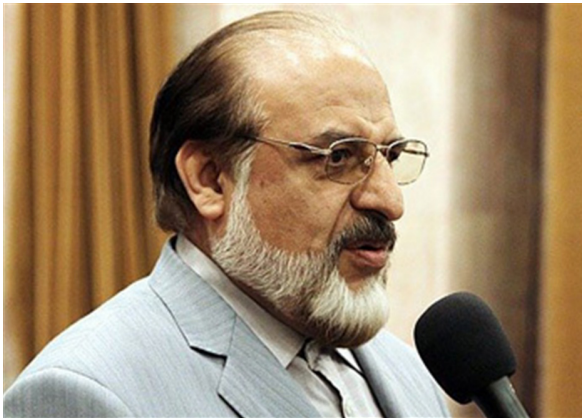
منافع انقلاب ارجح بر سود و زیان شخصی

این موضوع در سراسر زندگی ایشان سیرورت داشت؛ به ویژه در مسائل مربوط به انقلاب از اوایل جوانی معتقد به حکومت اسلامی بوده و این

مردی مقاوم و آزاداندیش

برخورد شد ولی ما مقاومت کردیم تا اینکه موفق به جمع شدن کنار هم شدیم، برای ادامه تحصیل با مخالفت روبرو شدیم ولی آن‌ها با فاصله کمی از اعتصاب اول ناچار شدند به خواسته ما تن بدهند و جریان طوری پیش رفت که مقرر شد برای زندان آموزشگاه تأسیس کنند. در نهایت کار به جایی رسید که در ایام محرم تصمیم به برگزاری مراسم در سطح زندان گرفتیم و پذیرش آن برای دستگاه شاه دشوار بود؛ اما بالاخره موافقت آن‌ها با تلاش شهید عراقی جلب شد. این روحیه یک روحیه سازشکارانه نیست؛ بلکه روحیه هدفدار و راهبردی متفکرانه و آزاداندیشانه در همه شرایط است.

ایشان می‌فرمودند ما در زندان به این می‌اندیشیدیم که خداوند چه رسالتی بر دوش ما گذاشته است که محبوسیم. این روحیه قابل تحسین است و می‌تواند الگوی خوبی برای نسل جوان در راه رسیدن به تعالی باشد.



حسین انواری
عضو شورای مرکزی

در مورد ویژگی‌های شخصیتی مرحوم عسکر اولادی، به‌ویژه بعد از ارتحال بسیار گفته و شنیده شده، ولی در زمینه دو خصیصه ایشان کمتر اظهار نظر گردیده است. نخست مقاومت در برابر مشکلات و سختی‌ها و رنج‌ها و نباختن خود در شرایط بحرانی و مشکلات چه در زندگی شخصی و چه در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی است که یکی از ویژگی‌های ممتاز ایشان است. رعایت عدالت و انصاف را در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها داشته‌اند. ویژگی دیگر داشتن یک نگاه راهبردی و همسو با اوامر الهی است. آینده‌نگری و برخورداری از یک تفکر برنامه‌ای و نظم فکری در کلیه امور که این ویژگی در اقدامات عملی آن مرحوم در مسئولیت‌های مختلف مشخص است.

● تفکر دوران زندان

نقلی از ایشان وجود دارد که نشان‌دهنده نگاه بلند و ادای تکلیف الهی توسط آن عزیز است. ایشان می‌فرمایند «بعد از اولین ملاقات با خانواده در زندان، با دوستان به بحث نشستیم که در حبس ابد حداقل برای آینده باید برنامه‌ریزی کرد و با این حال باید برای ۱۵ سال برنامه‌ریزی داشت و پیشنهاد کردم که در زندان برنامه تحصیلی و ... بریزیم، بعد از گفتگوهای مفصل سرانجام برای پیشبرد اهدافمان مقرر شد، در سه مرحله اقدام کنیم برای این منظور با مخالفت‌هایی مواجه بودیم ولی برای شکست مخالفت‌ها در مرحله نخست که درخواست جمع شدنمان در کنار هم در یک بند زندان بود از طریق اعتصاب غذا باید مقاومت کنیم، در مرحله بعد درخواست ایجاد شرایط برای ادامه تحصیل بدهیم و در صورت عدم پذیرش به اعتصاب غذا دست بزنیم و در مرحله سوم نیز درخواست کار فرهنگی و تأسیس کتابخانه در زندان را ارائه کنیم. طبیعی است که در شرایط زندان در مرحله اول با ما با خشونت

روایت طیرضا اسلامی از خدمات مرحوم عسکر اولادی

نقطه عطف خدمت به مردم در دوران مقدس



می‌کردند از مسئولیت کناره‌گیری کرد. اسلامی معتقد است جمع‌آوری زکات بنا به نظر مقام معظم رهبری، تأسیس روزنامه رسالت، تأمین مسکن برای طلاب و حضور فعال در تشخیص مصلحت نظام، حضور در بنیاد مستضعفان، حضور در دادگاه‌های مطبوعات و فعالیت در حوزه خارج از کشور عسکر اولادی را به در ناشناخته‌ای بدل کرد. این کارشناس مسائل سیاسی در پایان تصریح کرد: در ائتلاف بین نیروهای انقلابی و اسلامی تلاش بسیاری داشتند و برای ایشان از تعبیر شیخوخیت استفاده می‌شد این موضوع در جریان‌های سیاسی به‌خوبی مشخص است در قضیه فتنه ۸۸ با اینکه با آقای کروبی و موسوی از نظر دیدگاه زاویه داشتند به دیدار این دو رفته و تقاضا کرد که به انقلاب بازگردند اما آن‌ها قبول نکردند، حتی چندین نامه به بزرگان جناح مقابل و شخص آقای خوئینی‌ها نوشت که بی‌پاسخ ماند.

گرفتند تا پایان آن را به نحو احسن هدایت کردند و طی سی و چند سال به مستضعفان خدمت کردند. در حزب جمهوری بنا به ادنی که از امام خمینی می‌گیرند حضور پیدا کرده و عضو شورای مرکزی می‌شوند همچنین در جریان بمباران‌های جنگ، کمیته‌ای را حضرت امام تأسیس کردند که ایشان و بعضی از دوستانشان برای رسیدگی به نقاط آسیب‌دیده می‌رفتند و در این راه سر از پا نمی‌شناختند. وی افزود: بعضی از اصناف به دلیل جنگ دچار مسائل و مشکلات ناشی از تحریم شده بودند حضرت امام ایشان را در ائتلاف اصناف به تأسیس صندوق تعاون صنفی مکلف کردند و از این راه مددکاران صنفی شدند که آسیب‌دیده بودند.

● نقطه عطف خدمت به مردم در

دوران دفاع مقدس

اسلامی حضور در وزارت بازرگانی را نقطه عطف خدمت به مردم در دوران دفاع مقدس دانست و ادامه داد: ایشان با مشکلات فراوان اقتصادی آن زمان در وزارت، با زبردستی و با ارتباطی که در دنیا داشتند اقلام مورد نیاز مردم را تهیه نمود، همین مسئله باعث شد تا در مجلس مورد سؤال قرار گیرد، در وزارت بازرگانی با وجود سختی‌ها و فشارهای فراوان در نهایت به خاطر منافع مردم و به تعبیر خودشان که عده‌ای نان مردم را سیاه

شنیدن وصف استاد از زبان مرید و شاگرد شاید خالی از لطف نباشد دکتر علی‌رضا اسلامی درباره استاد حبیب‌الله عسکر اولادی می‌گوید: همه حرکات و سکنات ایشان بر اساس خدامحوری بود چه در دوران قبل از انقلاب و چه در زمان پیروزی نهضت امام خمینی، وقتی ایشان در زندان بودند برای مقابله بانفوذ تفکر مارکسیسم در جوانان فعالیت‌های مختلفی می‌کردند و این فعالیت‌ها بر حسب تکلیف‌گرایی الهی بود.

وی با بیان رنج‌های مبارزه که بر مرحوم عسکر اولادی تحمیل شد سیر زندگی وی را خدایی برشمرده و تصریح می‌کند: ایشان بعد از ۱۳ سال زندان وقتی آزاد می‌شوند و با وجود مرارت‌های گوناگون بر حسب تکلیف به جریان انقلاب می‌پیوندند و عضو فعال شورای مرکزی انقلاب بودند که انقلاب را برنامه‌ریزی می‌کردند، گاهی می‌دیدم ایشان به منزل ما می‌آمد و جلساتی را با پدرم داشتند. این تکلیف‌مداری حتی منجر به از دست دادن همسر و فرزندشان در راه انقلاب شدند، ایشان به هیچ‌وجه نمی‌ترسیدند که اتفاقی برایشان بیفتد.

● روحیه مردم‌گرایی

اسلامی به روحیه مردم‌گرایی عسکر اولادی اشاره و ادامه داد: بعد از انقلاب نیز وقتی مسئولیت کمیته امداد را به حکم امام بر عهده

محمد کاظم انبارلویی :

همیشه باب گفتگو با رقیب را باز می‌کرد

ارتقاء می‌بخشید.

انبارلویی در پاسخ به پرسشی درباره اینکه آیا شخصیتی در در عرصه رسانه که جایگزین عسکر اولادی باشد وجود دارد گفت: در عرصه رسانه ما شخصیتی در تراز ایشان نداریم، ایشان همیشه باب گفتگو را با رقیب باز می‌کرد و رشد سیاسی را در سطح ملی ارتقاء می‌بخشید.

● نقد مشفقانه

عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی ادامه داد: معمولاً رجال سیاسی حاضر به این گفتگوها نیستند، من به خاطر دارم ایشان حدود هفت‌نامه به محمدرضا خاتمی دبیر کل حزب مشارکت نوشت و اواخر عمر نیز باز هفت‌نامه خطاب به جمعی از رجال مشارکت و اصلاح‌طلب نوشت، آن‌ها هم پاسخ دادند و در نهایت گفتگو از طرف آن‌ها قطع شد و من فکر می‌کنم این نامه‌ها را اگر بررسی کنیم درمی‌یابیم که شخصیت آقای عسکر اولادی از نظر برجستگی‌های سیاسی، فکری و مذهبی که داشتند در این تبادل نامه‌ها مشخص می‌شود.

وی در پایان خاطرنشان کرد: نقد مشفقانه مهم‌ترین دغدغه ایشان در این گفتگوها بود و معتقد بود ما باید به‌نقد در حوزه سیاست اهتمام داشته باشیم و اگر نقد درستی صورت بگیرد ما وحدت ملی و همگرایی در سطح ملی را در کشور شاهد خواهیم بود.



محمد کاظم انبارلویی سردبیر سابق روزنامه رسالت و عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی با نگاهی به سیره رسانه‌ای استاد عسکر اولادی گفت: آقای حبیب‌الله عسکر اولادی یکی از شخصیت‌های سیاسی-مذهبی ایران بود و به‌عنوان مصداق یک شخصیت سیاسی و مذهبی می‌توان از او یاد کرد، آقای عسکر اولادی اهل مذاکره و گفتگو بود و از این طریق منافع و مصالح نظام را به گفتگو می‌گذاشت و از این راه، ارتباطات وسیعی با طیف‌های سیاسی مختلف کشور برقرار کرده بود.

وی با اشاره به هدف مرحوم عسکر اولادی از تأسیس روزنامه رسالت خاطرنشان کرد: ایشان در سال ۶۴ اقدام به تأسیس روزنامه رسالت کرد و با جمعی از رجال سیاسی و مذهبی کشور و شخصیت‌های ملی یک ضلع گفتگو در سطح ملی را نمایندگی می‌کرد. ایشان با علمای تراز اول قم، مراجع و فضلالی این شهر ارتباط وسیعی داشت و در روزنامه رسالت با همکاری حضرات آیات آذری قمی، خزعلی، راستی کاشانی و حجت‌الاسلام شرعی این گفتگو در سطح ملی را راهبری کرد.

● رعایت حقوق مخاطب

معاون سیاسی حزب مؤتلفه اسلامی تصریح کرد: ایشان شخصیت قابل‌قبول برای همه جناح‌های سیاسی بودند، علت برجستگی او این بود که ادب گفتگو را رعایت می‌کرد و حقوق مخاطب را در نظر می‌گرفت و با ادب‌پاتی که در گفتگو به کار می‌برد سیاست ورزی در سطح ملی را

مهدی فضالی:

همیشه با سعه صدر مواضع منطقی می‌گرفت



است؛ زیرا ممکن است در مقاطعی ولی فقیه نتواند دلیل موضع و تصمیم خود را بگوید و فرد هم باید از باب ولایت‌مداری تصمیم ولی فقیه را بپذیرد؛ لذا چون برخی افراد دلیل این تصمیم را متوجه نمی‌شوند ممکن است در همراه شدن با ولی فقیه دچار مشکل شوند.

فضالی یکی دیگر از خصوصیات مرحوم عسکر اولادی را کمک به افراد عنوان کرد و گفت: ایشان پناهمگاهی برای خیلی از افراد بودند و هر که با مشکلی مواجه می‌شد، مرحوم عسکر اولادی را به عنوان شخصیتی قابل اعتماد می‌شناختند که می‌توانستند با او صحبت و مشورت کنند و مراجعه کنندگان به ایشان مطمئن بودند که اگر مرحوم عسکر اولادی بتواند، مشکل آنها را حل خواهد کرد و خود مرحوم عسکر اولادی چنین فضایی را ایجاد کرده بود.

لذا مواضع ایشان همیشه منطقی و با استدلال همراه بود.

کارشناس مسائل رسانه ادامه داد: مرحوم عسکر اولادی معمولاً جوانب مختلف مسائل پیش آمده را مورد توجه قرار می‌دادند و اهل گفتگو و شنیدن مطالب مختلف بودند.

فضالی یادآور شد: سابقه طولانی مدت مرحوم عسکر اولادی در زمینه مبارزه با رژیم شاهنشاهی و نیز در رابطه ممتدی که با امام خمینی (ره) داشتند، باعث شده بود تا شناخت دقیقی از افراد داشته باشند و افراد را به خوبی مورد ارزیابی قرار دهند.

وی یکی دیگر از ویژگی‌ها برجسته مرحوم عسکر اولادی را در نوع ولایت‌مداری دانست و در این رابطه گفت: در اتفاقات و رخداد‌های مختلف، ولایت‌مداری به عنوان یک معیار و شاخص اصلی مطرح بود که در ارزیابی‌ها و موضع‌گیری‌های مرحوم عسکر اولادی نمود پیدا می‌کرد.

● همراه بودن با ولی فقیه خیلی سخت است

این کارشناس مسائل سیاسی در این رابطه ادامه داد: یکی از جملاتی که از مرحوم عسکر اولادی شنیده‌ام این است که ایشان می‌گفتند همراه بودن با ولی فقیه خیلی سخت

عضو دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفت: یکی از ویژگی‌های بارز مرحوم عسکر اولادی این است که نگاه ایشان به مسائل، مشکلات و افراد مختلف توأم با سعه صدر بود.

مهدی فضالی، عضو دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در گفتگو با خبرنگار نما اظهار داشت: در سال ۶۷ توفیق آشنایی با مرحوم عسکر اولادی را پیدا کرده و یکی از ویژگی‌های بارز مرحوم عسکر اولادی این بود که نگاه ایشان به مسائل، مشکلات و افراد مختلف توأم با سعه صدر بود.

● علت مواضع منطقی

وی افزود: مرحوم عسکر اولادی به خاطر همین سعه صدری که داشتند در جلسات و محفل‌های مختلف کمتر احساساتی می‌شدند و مواضع هیجانی اتخاذ می‌کردند؛



حسن کربلایی:

معتقد بود رسانه‌ها باید بر اساس تعالیم اسلامی، مرشد و راهبر جامعه باشند



عمدتاً نگران دو چیز بودند: اول، حرکت بر خلاف قطب‌نمای ولایت‌فقیه که موجب انحطاط اخلاقی و رفتاری در زندگانی شخصی و اجتماعی و سیاسی می‌شود؛ زیرا نفسانیات جای حب و پیروی از ولی زمان را می‌گیرد و در سیاست این اتفاق بسی خطرناک‌تر است؛ زیرا سیاست و سیاسیون با یک جمع بزرگ و کشور روبه‌رو هستند و تصمیمات و مشی آنان بر جامعه و کشور و نظام سیاسی مؤثر واقع می‌شود. دوم اینکه ایشان نگران تفرد و تکروی بودند.

کربلایی عنوان کرد: همان‌طور که عرض کردم ایشان به تحزب و تشکل فکر می‌کرد؛ زیرا به‌طور قطع می‌دانست تفرد و عدم وحدت موجب باز شدن دست و میدان عمل دشمنان مردم و اسلام و نظام اسلامی می‌شود.

عضو هیئت مدیره انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان درباره نگاه مرحوم عسکراولادی به رسانه‌های کشور و ویژگی‌های یک رسانه انقلابی از منظر ایشان گفت: مرحوم عسکراولادی به رسانه ولایی و انقلابی فکر می‌کرد. به نشریه «شما» ارگان حزب مؤتلفه اسلامی اگر نگاه کنید می‌بینید که نگاه ایشان را کاملاً و با جدیت در بر دارد. ایشان بر آن بودند که رسانه‌ها می‌توانند و باید بر اساس تعالیم اسلامی، مرشد و راهبر جامعه باشند، نه اینکه بر پایه کید شیطانی، نفسانیات مخاطبان را دامن بزنند و ابزاری برای تشنگان قدرت و چپاولگران و زورگویان باشند.

عضو هیئت مدیره انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان گفت: مرحوم عسکراولادی به رسانه ولایی و انقلابی فکر می‌کردند و ایشان بر آن بودند که رسانه‌ها می‌توانند و باید بر اساس تعالیم اسلامی، مرشد و راهبر جامعه باشند.

حسن کربلایی، کارشناس رسانه و مسائل سیاسی در گفتگو با خبرنگار ما، درباره ویژگی‌های شخصیتی مرحوم عسکراولادی و تأثیرگذاری ایشان در فضای سیاسی کشور در زمان حیات گفت: مهم‌ترین ویژگی مرحوم عسکراولادی اولاً حرکت ایشان در مسیر ولایت بود و به‌قول خودشان همواره بر اساس آهنگ ولایت مشی می‌کردند. مجاهدت چند ده ساله ایشان نیز مؤید و مؤکد همین مطلب است که آن بزرگوار برای حتی لحظه‌ای از خط ولایت خارج نشد و کلامی به زبان نراند و خطی ننوشت. چه در زمان حیات مبارک حضرت امام خمینی (ره) و چه در زمان رهبری امام‌المسلمین حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.

● تحزب را ابزاری برای کسب قدرت نمی‌دانست

وی افزود: دوم اینکه ایشان به شدت به تجمیع و فعالیت جمعی فکر می‌کرد تمایل ایشان به تحزب نیز از این باب بود؛ زیرا ایشان بر خلاف خیل کثیری، تحزب را ابزاری برای کسب قدرت نمی‌دانست، بلکه این موضوع و پدیده را وسیله‌ای برای قدرت‌گیری جمع و جامعه اسلامی قلمداد می‌کرد. قدرتی که باید صرف حمایت از محرومان و مظلومان و سیانت از انقلاب و نظام و کشور شود.

مدیرمسئول پایگاه خبری تحلیلی «نیک رو» ادامه داد: روابط شخصی با جناح‌ها و احزاب نیز قطعاً از روی برادری و تعاون بود؛ زیرا چنان که اشاره شد اساساً تحزب برای ایشان به معنای قدرت‌گیری دنیوی و نفسانی و کنار زدن و پایمالی رقیب معنا نشده بود. ایشان سعی در جمع کردن و نزدیک کردن همه افراد متعهد از هر گروه و حزبی داشت با گفتگو و نصیحت و تذکر و مکاتبه!

● نگرانی از دوچیز

این استاد دانشگاه درباره مهم‌ترین نگرانی مرحوم عسکراولادی نسبت به آینده انقلاب اسلامی گفت: تصور می‌کنم مرحوم عسکراولادی

الیاسی حضرتی:

بادقت و حوصله با جوانان مناظره و مکاتبه می‌کرد

صادقانه بین ما که به جای فرزندانشان بودیم، برقرار است.

این فعال سیاسی اصلاح طلب ادامه داد: برای من جالب بود که ما هشت نفر وقتی می‌خواستیم نامه‌ای را به ایشان بنویسیم حدود ۱۰ تا ۱۵ روز به طول می‌انجامد و بین ما هشت نفر اختلاف نظر وجود داشت، اما مرحوم عسکراولادی در عرض ۲۴ ساعت پاسخ نامه ما هشت نفر را می‌داد؛ یعنی پاسخ مرحوم عسکراولادی به این نامه‌ها خیلی سریع انجام می‌شد و مشخص بود که بادقت نامه را خوانده‌اند و درباره تمامی بندهای نامه توضیح می‌داد؛ لذا من کمتر افرادی را با این سابقه انقلابی می‌شناسم که با حوصله بسیار با افرادی که در سطح فرزندانشان هستند، با حوصله و همانند مناظره مکاتبه داشته باشند. حضرتی معتقد است که مرحوم عسکراولادی همانند لنگری برای اردوگاه اصولگرایی بود و گفت: علیرغم اینکه برخی از افراد وابسته به جریان‌های تند سیاسی نظرات سیاسی مرحوم عسکراولادی را برنمی‌تابیدند، اما ایشان تا آخر عمر خود بروی مواضع محکم ایستاد.



● نگاه به وحدت تمامی جامعه مومنان

حضرتی بیان کرد: منصف بودن و نگاه به وحدت تمامی جامعه مومنان و جامعه اسلامی ما از ویژگی‌های ایشان بود که تا لحظات آخر عمر در این مسیر حرکت کرد.

وی با بیان خاطره‌ای از مرحوم عسکراولادی گفت: بعد از قضیه ۸۸ با جمعی از دوستان در خصوص موضوع حصر جلسات مشترکی را برگزار کردیم و در این رابطه مکاتباتی را هم با مرحوم عسکراولادی انجام می‌دادیم و هشت نامه میان ما با مرحوم عسکراولادی رد و بدل شد و ایشان خطاب به من پاسخ این هشت نامه را می‌داد؛ در حالی که هشت نفر نامه‌ها را امضا می‌کردند، اما مرحوم عسکراولادی خطاب به من پاسخ نامه‌ها را می‌داد و در تمام پاسخ‌هایی که به این نامه‌ها می‌داد همیشه در یک اصولی حرکت می‌کرد و ما احساس می‌کردیم یک گفتگوی فوق‌العاده

فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: مرحوم عسکراولادی تا آخر عمرشان به حاکمیت دین و خصلت‌های مومنانه اعتقاد داشت. الیاسی حضرتی، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی در گفتگو با خبرنگار نما، اظهار داشت: آنچه که مرحوم عسکراولادی را از سایر شخصیت‌های هم‌تراز خودش در اردوگاه اصولگرایی و اصلاح طلبی ممتاز کرده، ریشه مبارزاتی صادقانه و سوابق تلاش انقلابی مومنانه ایشان بود.

● خصلت‌های مومنانه انقلابی

وی افزود: آقای عسکراولادی تا آخرین لحظات عمرشان بر اصول و خصلت‌های مومنانه انقلابی یعنی اعتقاد به حاکمیت دین، اصلاح و تلاش برای این حاکمیت، تلاش برای کاهش اختلافات سلیقه‌ای در بین نیروهای انقلابی و تلاش برای رفع محرومیت‌ها و کمک مومنانه به محرومان تأکید داشتند.

نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه زبان مرحوم عسکراولادی در خیلی از موارد بیان حق بود، یادآور شد: او همیشه سعی می‌کرد که حقیقت و حقایق را مطرح کند و انصاف را رعایت کند.

چهل ویژگی اخلاقی - سیاسی مرحوم استاد حبیب الله عسکراولادی



۱- پرهیز از افراط و تفریط
۲- وظیفه یابی و تکلیف محوری
۳- داشتن دغدغه کلان برای حفظ نظام به عنوان واجب واجبات
۴- توجه به حفظ سرمایه‌های انسانی انقلاب
۵- بی پروایی از بیان حقیقت و قبول هزینه‌های آن
۶- رویکرد خردگرایانه توأم با انصاف و میانه روی و اعتدال
۷- عملیاتی کردن تئوری جذب حداکثری و دفع حداقلی
۸- بازگرداندن روشنگرانه آنهايي که به سربازی و بیگاری دشمن رفته‌اند، به خیمه انقلاب
۹- پرهیز از تک صدایی در فضای سیاسی کشور
۱۰- اخلاق مداری و ترویج اخلاق سیاسی
۱۱- ترویج همگرایی، هم‌افزایی و وفاق ملی
۱۲- قائل بودن مرز بین جریان فتنه و جریان اصلاحات به عنوان یک جریان مشروع
۱۳- توجه داشتن به توطئه دشمن و ژنرال های جنگ نرم آمریکا در خصوص سربازگیری از نیروهای درون تشکل‌های سیاسی «به عنوان یک راهبرد»
۱۴- غنیمت دانستن حتی یک سرباز در خیمه انقلاب (خواستہ رهبری معظم)
۱۵- پیاده شدن از مرکب احساسات و هم رکابی با عنصر عقلانیت
۱۶- فراهم نمودن فضایی که در آن همه سلايق سیاسی درون نظام بتوانند مشارکت داشته باشند
۱۷- تلاش برای بسترسازی فضایی برای نوشتن تاریخی آبرومند برای نظام جمهوری اسلامی
۱۸- عسکر اولادی الگوی مشورت پذیری و الگوی اخلاق سیاسی بود
۱۹- عسکر اولادی امید و آینده را همواره به جوانان تزریق می کرد
۲۰- عسکر اولادی قبل از آنکه یک انقلابی مسلمان باشد یک مسلمان انقلابی بود
۲۱- عسکر اولادی در رابطه با مواضعش معتقد بود باید برای قیامتش جواب داشته باشد
۲۲- عسکر اولادی در میدان سیاست ورزی رقیبش را به رسمیت می‌شناخت
۲۳- عسکر اولادی به معنای واقعی کلمه سیاستمداری مصلح و منصف بود
۲۴- عسکر اولادی در اعمال و افعال سیاسی اش رضایت خداوند را در نظر می گرفت
۲۵- عسکر اولادی معتقد بود جمهوری اسلامی محصولی از مقبولیت مردمی و مشروعیت الهی و اسلامی است و به نقش مردم بسیار اهمیت می‌داد
۲۶- عسکر اولادی معتقد بود که اگر همه چیز و همه کس را سیاه جلوه بدهیم دیگر نمی‌توانیم برای جمهوری اسلامی تاریخ بنویسیم
۲۷- عسکر اولادی معتقد بود مخالفان را باید قانع کرد نه ساکت
۲۸- عسکر اولادی علی‌رغم اینکه نماد و شمایل موفله بود متعلق به یک جناح سیاسی خاصی نبود او یک شخصیت ملی و فراجناحی بود
۲۹- عسکر اولادی برای همه مواضعی که می‌گرفت حجت شرعی داشت و مواضع سیاسی اش عموماً در چارچوب سیاست‌های کلی رهبری بود
۳۰- عسکر اولادی معتقد بود در سیاست همیشه انسان مخیر بین بد و خوب نیست ممکن است مخیر بین بد و بدتر هم باشد و اگر بد را انتخاب کرد نباید او را سرزنش کرد، این انتخاب عین عقلانیت است
۳۱- عسکر اولادی معتقد بود جمهوریت، ظرف مقبولیت نظام است و اسلامیت اساس مشروعیت و این دو با هم معنا پیدا می‌کنند
۳۲- عسکر اولادی معتقد بود اگر تقوای الهی را پیشه کنیم برکات خداوند از زمین و آسمان بر ما نازل می‌شود
۳۳- عسکر اولادی معتقد بود وقتی دشمن در جنگ نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اش موفق نشود در درون ما انفجار ایجاد می‌کند
۳۴- تحول، جوانگرایی، گردش‌نخبگان و نوسازی سازمانی حزب از دغدغه‌های استاد عسکر اولادی بود
۳۵- عسکر اولادی سیاستمداری ریشه‌دار و اصیل بود نه بادکنکی و ژله‌ای
۳۶- عسکر اولادی واگرایی و اختلاف و تشست را یک ضد ارزش می‌دانست و وحدت و همگرایی را یک ارزش
۳۷- عسکر اولادی معتقد بود اگر بخواهیم تاریخ بنویسیم باید مثبت‌ها و منفی‌ها را با هم بنویسیم حتی در مورد بنی‌صدر
۳۸- عسکر اولادی در مقوله فتنه معتقد بود پدیده فتنه را باید پیشگیری، کنترل، مدیریت و از بازتولید آن در آینده جلوگیری کرد
۳۹- عسکر اولادی معتقد بود از بی‌انصافی در برجسته کردن خدمات یک دولت و تخریب و کوچک‌نمایی خدمات یک دولت دیگر باید پرهیز کرد
۴۰- و بالاخره عسکر اولادی در پایان عمر شریفش قرائت متفاوتی از حوادث فتنه سال ۸۸ و عاملان آن ارائه داد و کوشید این معضل را به نحوی حل کند اما در حیاتش این نتیجه را ندید اما با این امید از جهان رفت.
روحش شاد و ممشایش ماندگار باد.



عاشقانه های مرحوم عسکر اولادی با خدا

اکبر خلیلی

نویسنده

به عنوان شاگردی کوچک در جمع آوری خاطرات زندگی مرحوم عسکر اولادی و مبارزاتشان نزدیک به ۱۸ سال در کنارشان پرسه می زنم. هر چند گاه به دیدار ایشان می روم مرا به اشتیاق می پذیرند. مزاحمی سرزده هستیم. در جلسات اغلب نشسته اند، اما نمی گویند: وقت ندارم بلکه می گویند در جلسه هستیم. او را همچون پدر دوست می دارم که او پدر مردم ایران است. دلسوزی او برای مردم از روی سیاست نیست از روی تکلیف و خدمت است. دست های پر برکتش را می بینم در سراسر کشورمان که نان و عشق، توزیع می کند اما او یک مرجع سیاسی مذهبی کشور من است. در حد اجتهاد.

روزنامه ای دیدم به نام شرق به شماره ۱۸۰۰ مصاحبه ای با حاج آقا حبیب الله عسکر اولادی مسلمان شخصیت بزرگی که بیش از نیم قرن (۶۰ سال) خود را خادم مردم می داند و از نادر، مردانی که به اندازه عمر برپا شده نظام مقدس جمهوری اسلامی ترورشخصیت شده و از میدان بدر نرفته و در چند سال اخیر نزدیک به ۱۵ بار طراحی یک ترور قوی فیزیکی نافر جام روی ایشان عملیاتی گردیده و موفق نبوده است. می گویم خداوند چند اولاد به شما داده؟

می گوید: بنده ۵ فرزند در دنیا دارم و چهار فرزند در آخرت. عجب!

چهار فرزندم فوت کردند که یکی از آنها مربوط به ۱۵ خرداد است که دچار بیماری شد و نتوانستم بروم و او را به پزشک ببرم. چرا؟

شرایط تابستان آن روز سخت و امکانات ما محدود بود. بچه دچار اسهال و استفراغ شد باید او را به بیمارستان می رساندم اما نتوانستم چون روزهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ خرداد بود که من نتوانستم و بعد از آن بچه دیگر معالجه نشد و از دنیا رفت.

چند سالشان بود؟

فکر می کنم نزدیک دو سال.

اسمش چی بود؟

مهدیه.

این حادثه ۱۵ خرداد ۴۱ بود. شهر تهران حکومت نظامی اعلام شده بود. آقای عسکر اولادی در آن روز مشغول مأموریت در راستای انقلاب بود. شواهد نشان می دهد که ایشان این مدت سه روز پانزدهم و شانزدهم و هفدهم خرداد را کجا بوده و با چه کسانی مشغول جهاد در راه خدا خدمت می کرده است. زمانی می تواند خودش را به خانه برساند که آن کودک از حال رفته است و در آغوش پدرش جان می دهد.

حادثه دیگر ۱۵ سال بعد است یعنی روزهای انقلاب اسلامی و حکومت نظامی زمان شاه و کشت و کشتار هر شبه شاه و دارودسته

اش اما همچنان در خدمت شورای انقلاب و فرماندهی و رهبری و رساندن مجروحین به مکان های امن جهت معالجه، از فضا همسرش پا به ماه است. همان شب از او می خواهد که به خانه مادرش برود و یا او را به بیمارستان زنان برساند. همسرش می گوید: مهم نیست ممکن است موقتی باشد تا صبح صبر می کنم شاید بهتر شوم از خانه هم بیرون نمی روم، می خواهیم تا آخرین لحظه در کنار تو باشیم و از جایم حرکت نخواهم کرد. اما آن شب آبستن حوادث ناگواری است و شوهر در حال مأموریت و جهاد در راه خدا است. درد زایمان سر می رسد. همه راهها بسته است. آمبولانس را به محله های جنوب شهر برای بردن استمدادگران جنوب شهری نمی فرستند به خصوص کسانی که در محله های نزدیک این حادثه زندگی می کنند. کلانتری می گوید: اگر کمک می خواهید به دفتر خمینی تلفن بزنید. از او یاری بطلبید. کلا جواب تلفن اطراف سرچشمه و بازار و خیابان شهباز (۱۷ شهریور) را نمی دهند و می گویند: از خمینی درخواست کنید. پدر در حال مأموریت اما با خانه در تماس است اما هیچ راهی برای کمک به همسر و فرزند نیامده به دنیا نمی شناسد. برادران و فرزندان در تکاپو هستند اما قادر نیستند از منازل خود خارج شوند و به این زن با بچه اش کمک برسانند و تازه دو کودک دیگر در خانه به خواب رفته اند که آنها نیز به مراقبت نیاز دارند. نزدیک های صبح یک آمبولانس جلوی خانه است. آقای عسکر اولادی از راه می رسد با مکافات و مشکلاتی که در سر راه دارد اما دیر آمده است. همسرش از هوش رفته است او را در بغل می گیرد که سوار آمبولانس کند. جلوی آمبولانس در بغل همسر خود با فرزندش از دنیا می رود. این سه شهید از مردی که حاضر نشد این شهیدان عزیز خود را وسیله تجارت و افتخار در حال خدمت به مردم عزیز کشور کند.

از او می پرسم پسری که رفت اسمش چه بود؟

- این چیزی نیست!

من برای تاریخ می نویسم.

- این چیزی نیست. مهم نیست!

پس فرزندانتان را برای انقلاب از دست دادید؟

- نه اینها چیزی نیست نمی خواهم این جوری مصرف بشود.

حاج آقا؟

- نه اصلا نمی خواهم مصرف بشود. من اصلا برای خودم نیست.

معنای این، این طور نیست.

ولی ما داریم تاریخ می نویسیم.

- نه این طور نیست. من اصلا نمی خواهم این طور مصرف بشود. اگر

این طور مصرف بشود من اصلا صحبت نمی کنم.

حاج آقا ببخشید من ...

- اصلا من دنبال این هستم که تاریخ معین بشود نه اینکه برای من

چیزی در بیاید.



هیچگاه از مسیر انصاف خارج نشد



در اواخر عمر خود بیش از پیش به دنبال همگرایی و وحدت میان گروه‌های سیاسی بودند و نیز درصدد بودند تا تعاملی میان جریان‌ها و مختلف سیاسی برقرار باشد.

● تلاش برای وفای ملی و همدلی بین جریان‌های سیاسی

وی ادامه داد: البته مواضع سیاسی مرحوم عسکراولادی اصولگرایی بود، اما همیشه تلاش می‌کردند با سایر جریان‌های سیاسی مثل جریان اصلاح طلب تعامل داشته باشند و نیز تلاش می‌کردند که همه جریان‌های سیاسی با یکدیگر باشند و تعادل فکر داشته باشند و حتی در اواخر عمرشان مکاتباتی را با مجمع روحانیون مبارز داشت.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان کرد: حفظ احترام متقابل بر پایه منافع ملی، بر پایه وظایف انقلابی و بر پایه خدمت به مردم و نظام از جمله خط و مشی‌های ارزشمند مختص مرحوم عسکراولادی بود و همیشه به این خط و مشی پایبند بود و سایرین را به این نوع رفتارها توصیه می‌کرد. به هر حال مرحوم عسکراولادی به دنبال این بود تا وفای ملی و همدلی بیشتر بین جریان‌های سیاسی حاکم شود.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: مرحوم عسکراولادی به دنبال این بودند تا وفای ملی و همدلی بیشتر بین جریان‌های سیاسی حاکم شود.

حجت الاسلام و المسلمین مجید انصاری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفتگو با خبرنگار ما اظهار داشت: مرحوم عسکراولادی از بازاریان متدین و انقلابی بود که پیش از انقلاب اسلامی در خدمت نهضت امام خمینی (ره) درآمدند و حقیقتاً ایشان و سایر دوستانشان مانند شهید عراقی و مرحوم امانی نسبت به اهداف امام خمینی (ره) و نهضت اسلامی امام (ره) وفادارانه پیمان بستند و تا پایان عمر خود پای عهد و پیمانشان ایستادند.

● تلاش برای بنیان کمیته امداد امام خمینی

وی افزود: مرحوم عسکراولادی در مسیر پیروزی انقلاب اسلامی، سختی‌های بسیاری را تحمل کرد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم بی‌وقفه در تمام عرصه‌ها در خدمت انقلاب و نظام بود. در ابتدا پیروزی انقلاب اسلامی در راستای رسیدگی به حال محرومان و حل مشکلات آنها، برای بنیان کمیته امداد امام خمینی (ره) تلاش کردند و به جد یکی از اقدامات خوب ایشان محسوب می‌شود.

این فعال سیاسی اصلاح طلب با بیان اینکه مرحوم عسکراولادی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پیروزی جنگ در سنگرهای مختلف حضور داشتند، افزود: که حضور ایشان در مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر نهادها نمونه‌ای از آنهاست.

انصاری با اشاره به مواضع سیاسی مرحوم عسکراولادی گفت: مرحوم عسکراولادی همزمان با حفظ مواضع، اصول و خط و مشی سیاسی هیچگاه از مسیر انصاف و اعتدال خارج نمی‌شدند به خصوص اینکه

مراقب جوانان زندان بود



به طوری که احساس دل‌تنگی در آن محیط زندان به کسی دست نمی‌داد.

● صبور و با سعه صدر

بعد از انقلاب من ایشان را زیاد ندیدم ولی مدتی که من در وزارت بازرگانی بودم ایشان به‌عنوان مشاور وزیر وقت بازرگانی در بعضی از جلسات شرکت می‌کرد، آنجا سعه‌صدر و تحمل نظر مخالف در ایشان دیده می‌شد و علیرغم اینکه به نظر می‌رسد تحمل این مطلب که فرد جوان‌تر از خودشان نظر مخالف ایشان ابراز کند و ایرادی از کارشان بگیرد من می‌دیدم ایشان تحمل نظر مخالف را داشتند و با سعه‌صدر به آن گوش می‌داد حال ممکن بود در جریان تصمیم‌گیری، تصمیم دیگری اتخاذ می‌کرد ولی به لحاظ سلوک و رفتار فردی اهل گفتگو، استدلال و منطقی بود و استبداد رأی در مفهوم مصطلح در ایشان دیده نمی‌شد اما طبیعتاً حق هر مدیری است که بعد از شنیدن نظرات تصمیم بگیرد و این مجموع خاطرات روزهای خوشی است که از مرحوم آقای عسکر اولادی به خاطر دارم.

نیاز بود سهمی تعیین نشده بود و صندوقی گذاشته می‌شد و هر کس به‌اندازه توانایی خود پولی می‌انداختند و مقابل نامش را امضاء می‌کرد و این یعنی آن فرد چه ناتوان و چه مستطیع یعنی سر صندوق رفته بود. یعنی ممکن بود فردی پولی برای کمک نداشت اما فرد دیگری چندین برابر کمک می‌کرد و همه مشارکت داشتند این صندوق تأمین‌کننده مخارج جمع بود.

● مراقب جوانان

این نوع رفتار را بزرگان مجموعه‌ای که نام بردم هدایت می‌کردند آقای عسکر اولادی عنصر فعالی در زندان بود هم به این جهت که جوان‌ترها را تحت آموزش و نظارت داشت تا در جو زندان که گروه‌های مختلف فعالیت داشتند دچار مشکل نشوند، ایشان کلاس‌های مختلف برگزار می‌کرد و خودش نیز به‌عنوان طلبه یا دانشجو در آن شرکت می‌کرد و همچنین در برخی از کلاس‌ها مدرس بود. عمدتاً محتوای آموزشی در این کلاس‌ها مسائل دینی، مذهبی و مسائل سیاسی منبعت از آموزه‌های دینی بود مجموعاً این حسن سلوک و حسن رفتار که در زندان سازمان داده شده بود و همچنین مناسکی مثل نماز جماعت، دعای کمیل‌ها، روزه‌های ماه مبارک رمضان و مجموعه این برنامه‌ها شرایط بسیار دل‌چسبی را فراهم کرده بود

من در فعال سیاسی اصلاح طلب ابتدای جوانی و قبل از انقلاب با مرحوم آقای عسکر اولادی در زندان آشنا شدم، ایشان و چند نفر از اعضای مؤتلفه اسلامی پیش از ما دستگیر و زندانی شده بودند و گروه ما، حزب ملل اسلامی بعداً به این جمع پیوست البته در بدو ورود مورد استقبال بسیار صمیمانه دوستان مؤتلفه قرار گرفتیم و به‌صورت مشترک گروه مذهبی که عمدتاً اعضای حزب ملل و مؤتلفه بودند به‌صورت جمعی منسجم در زندان درآمدند و در مراسم‌های مختلفی که به مناسبت‌های گوناگون نظیر اعیاد دینی، ولادت و شهادت ائمه اطهار برگزار می‌شد برنامه مشترکی داشتیم و همچنین معاشرت‌هایمان نیز باهم بود، مرحوم آقای عسکر اولادی در کنار شهید عراقی و جناب حجتی کرمانی و مرحوم آقای سیفی‌ان و تعداد دیگری از دوستان که آن زمان بودند و برخی از آن‌ها متأسفانه رحلت کردند و در خدمتشان نیستیم به‌عنوان یکی از بزرگان این جمع در زندان بود. جمع، جمعی صمیمی، دوست‌داشتنی و مهربان بود و درواقع جمعی بود که می‌توان به جرئت گفت مؤلفه‌های اصلی در معاشرت برادران مؤمن و مسلمان را با یکدیگر رعایت می‌کردند به این معنا که برای هزینه‌هایی که برای این جمع

دیدار پر زحمت در زندان برازجان

نقیسه زارعی
روزنامه نگار

فصل مشترک مبارزه و حفظ انقلاب، به همان میزان که دوستی دیرینه پدر با حاج حبیب‌الله عسکر اولادی را رقم زده اکنون نیز مهندس محسن هاشمی رفسنجانی، رئیس شورای شهر تهران را پای گفتگوی صمیمانه‌ای آورده تا از خاطرات کودکی و نخستین دیدارش با مبارزان انقلابی در زندان برازجان بگوید:

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و استاد عسکر اولادی از چه زمانی با یکدیگر آشنا شدند؟

همان‌طور که می‌دانید جناب آقای حبیب‌الله عسکر اولادی تقریباً هم سن ابوی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و دو سال از ایشان بزرگ‌تر بودند، شاید در زمانی که من کودک بودم و این دو بزرگوار در سنین جوانی بودند با هم ارتباط داشتند، من سال ۴۰ به دنیا آمدم و این بزرگواران از سال ۴۲ و پانزده خرداد رابطه دوستی و فعالیت سیاسی انقلابی‌شان برقرار بود و ابوی با هیئت‌های مؤتلفه و آقای عسکر اولادی و شهید عراقی ارتباط و دوستی داشت.

اولین دیدار شما با آقای عسکر اولادی چگونه و در کجا اتفاق افتاد؟

به یاد دارم که مرحوم عسکر اولادی به همراه شهید عراقی و برخی از چهره‌های مؤتلفه اسلامی در زندان بودند، به خاطر می‌آورم حکم شهید عراقی حبس ابد بود ولی درست به یاد نمی‌آورم از چه تاریخی در زندان بوده، این بزرگواران در تهران زندانی بودند و از زندان تهران آن‌ها را به زندان برازجان تبعید کردند و ما سفری با ابوی و آقایان توکلی و مرورید در نوروز به شیراز داشتیم، من آن زمان حدوداً ده یازده ساله بودم وقتی به شیراز رفتیم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت برای ملاقات این بزرگواران به برازجان برویم و همه گفتند اگر ما آنجا برویم ممکن است کسی ما را داخل زندان راه ندهد و این مسافت طولانی را بیهوده طی کنیم آقای هاشمی گفت نه من به دلم افتاده است که اجازه می‌دهند این دوستان را ببینیم. آن زمان راه برازجان مثل امروز نبود بلکه مسیر پرپیچ‌وخمی بود و باید از زاگرس عبور می‌کردیم ماشین‌ها هم خیلی خوب نبود، این خاطره تقریباً برای پنجاه سال پیش است ولی در نهایت با این شرایط ما به برازجان رسیدیم، حاج‌آقا با ورود به شهر آدرس زندان را پرسید و وقتی به زندان رسیدیم خودشان پیش رفت و گفت من می‌خواهم با رئیس زندان صحبت کنم، فردی که رئیس زندان بود آمد و ابوی با او صحبت کرد و گفت ما به دیدن دوستانمان آقای عسکر اولادی و عراقی آمده‌ایم جالب این بود که رئیس زندان درخواست حاج‌آقا را قبول کردند. ما داخل حیاط زندان شدیم، بزرگ‌ترها زیراندازی پهن کردند و مقداری وسیله آوردند و نشستیم اولین برخورد من با آقای



عسکر اولادی در زندان برازجان بود.

در اولین برخورد در بافتتان از شخصیت ایشان چگونه بود؟

من آن زمان بازیگوش بودم و به یاد دارم در حیاط زندان بازی می‌کردیم و ایشان هم با خوش‌رویی با ما برخورد می‌کرد، همه بچه‌ها در آن سفر بودیم، فاطمی، فائزه و بچه‌های آقای توکلی در آنجا حضور داشتند و بازی می‌کردیم فکر می‌کنم یک‌ساعتی آنجا بودیم و آقای عسکر اولادی شاید در کتاب خاطرات خودشان هم به این دیدار اشاره کرده باشند.

آیا بعد از دیدار حاج‌آقا عسکر اولادی در زندان، پیش آمد که در جمع‌های دیگر نیز با ایشان ملاقات یا برخورد داشته باشید؟

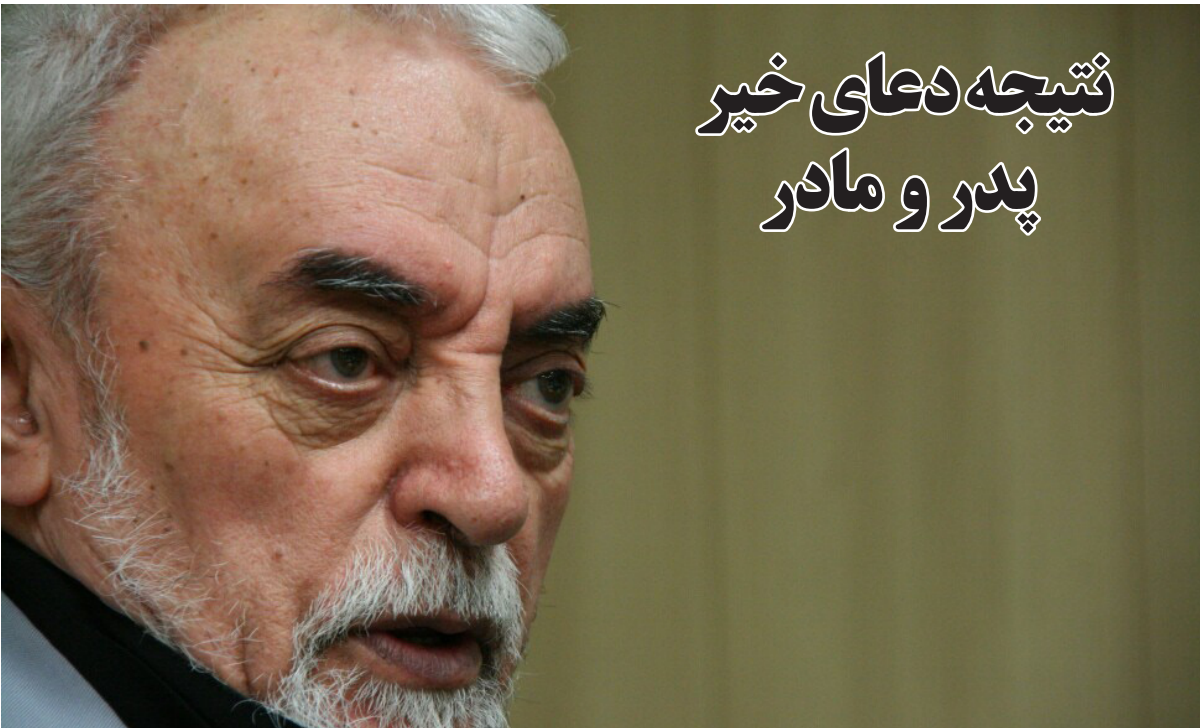
بعدها پیش می‌آمد که در هیئت‌های مذهبی مؤتلفه که به همراه آقای هاشمی می‌رفتم، با آقای عسکر اولادی دیدار می‌کردم، در این هیئت‌ها نان و پنیری می‌دادند و تقریباً هزینه مبارزه را این جمع و نزدیکان هیئت‌های مؤتلفه می‌دادند و به هیئت تزییق مالی می‌کردند؛ اما من طعم آن نان و پنیر خوشمزه‌ای را که در هیئت توزیع می‌کردند، هنوز به یاد دارم و صبح‌های زود و مخصوصاً جمع‌ها، با ابوی به این هیئت‌ها می‌رفتم و نان و پنیر می‌خوردیم و بعد از آن آیت‌الله هاشمی بحث قرآنی انجام می‌داد و ما به خانه بازمی‌گشتیم البته سایر بزرگان مثل آقای عسکر اولادی نیز همیشه حضور داشتند. دیدارهای بعدی من در همین هیئات ایشان بود من آن زمان را به‌درستی به یاد ندارم و در مقطعی از زندگی برای تحصیل به خارج از کشور رفتم و به همین علت ایشان را ندیدم.

با توجه به ارتباط مرحوم آیت‌الله هاشمی با حاج‌آقا عسکر اولادی و به تبع آن شناخت شما از ایشان، ارزیابی امروزتان از شخصیت سیاسی، مجاهد صادق چیست؟

بعد از انقلاب فکر می‌کنم ایشان کاندیدا ریاست جمهوری بودند و در مقطعی نیز وزیر بودند و به همین واسطه ارتباطشان با آیت‌الله هاشمی زیاد بود. آقای عسکر اولادی انسان بسیار روشن، خوش اخلاق، با متانت و دلسوز انقلاب و نیروهای انقلاب بود ایشان نیروهایی که گاهی از نظام دفع می‌شدند را رها نمی‌کرد و همواره به دنبال این بودند که آن‌ها را به انقلاب برگردانند و حتماً در آن دنیا جای بسیار عالی دارند و با بزرگان محشور خواهند بود و خداوند ایشان را بیامرزد.



نتیجه دعای خیر پدر و مادر



است. هیچ یک از برادران و خواهرانم قید مسلمان را به دنبال شناسنامه ندارند. تابعیت ایرانی است و ملیت اسلام است. اگر منافقین یک سوءاستفاده‌ای از قید مسلمان کردند و کیهان (ضدانقلابیون چاپ لندن) در این باره چیزهای مختلفی را نقل کرده از جمله گفته که عسکراولادی جدیدالاسلام است و پدر و مادرش یهودی بوده‌اند، این قید مسلمان را ثبت احوال امامزاده یحیی اشتباه کرده است. منتهی بعضی به من می‌گفتند که شما بنویس و این مسلمان را عوض کن. جوابش را من گفتم که افتخار می‌کنم که مسلمانم و مسلمان بودن چیزی نیست که نامه بنویسم به ثبت احوال که من نمی‌خواهم قید مسلمان بعد از اسمم باشد. لذا برای بنده و فرزندانم بعد از عسکراولادی، مسلمان قید شده در صورتی که در ثبت احوال چنین اشتباهی رخ داده است.

● هم‌نشینی با برادران عاشق خدا

باید اعتراف کنم که من بندگی خدا و ارتباط با رسول خدا و عترت معصوم آن حضرت را از پدر و مادر فراگرفتم. باید اعتراف کنم که نماز جماعت را از پدر و توسل به اهل بیت و به ویژه توسل به امام زمان (ع) را از مادر فراگرفتم. البته خداوند مسائلی را برای من، شاید به دعای خیر پدر و مادر، فراهم می‌کرد که از آن صاحب خیاطی که در دو ماه تعطیلی نزد او می‌رفتم گرفته تا هر مرحله‌ای برای کار و کسب، که در کنار بندگان صالحی بودم در من آثار بسیار مثبتی را گذاشته و این می‌تواند استجاب دعای پدر و مادر و لطف خداوند باشد. لطف خداوند بوده که من در هر مرحله‌ای از زندگی برایم پیش آمده، در خدمت برادران و دوستانی در تحصیل و در مبارزه قرار گرفتم و خداوند من را حفظ کرده و بعدها خدا مرا در سلولهای زندانهای طاغوت در کنار برادرانی که جز عشق خدا محرکی دیگر نداشتند، قرار داد.

مرحوم حاج حبیب الله عسکراولادی من در سال ۱۳۱۱ در تهران در یک خانواده‌ی متدین دماوندی متولد شدم. پدر و مادرم هر دو دماوندی بودند. علت اینکه زندگی را به تهران آورده بودند این بود که در سال تولد من زلزله‌ای در دماوند آمده بود و چند ماه دماوند به تناوب می‌لرزید و بیشتر خانه‌ها خراب شده بود و در شرایط سخت سرما، در باغها و چمنها باید زندگی می‌کردند، پدر و مادر من به تهران آمدند. از بدو تولد ۶ سالگی من در تهران بودم. من در محله‌ی امامزاده یحیی بین خیابان ری و سیروس (خیابان شهید آیت‌الله مصطفی خمینی فعلی) در تکیه‌ی زرگرها کوچی صاحب دیوان متولد شدم. شرایط زندگی پدر و مادر من زندگی بسیار سختی بود. زیرا هم شکستی در زندگی کسبی پدرم اتفاق افتاده بود و هم زلزله بسیاری از هستی اینها را نابود کرده بود و در شرایط بسیار ابتدایی و سنتی بود.

● ماجرای پسوند فامیلی

زندگی ما در یک اتاق اجاره‌ای در کوچی صاحب دیوان محله‌ی امامزاده یحیی ادامه داشت. علت اینکه پسوند فامیلی من مسلمان است این است که اداره‌ی ثبت احوال منطقه در این منطقه هم مسلمان و هم یهودی را ثبت می‌کرد. زیرا یک ضلع محله‌ی امامزاده یحیی به محله‌ی یهودی‌نشین وصل می‌شد. اما محل سکونت ما یهودی‌نشین نبود. در شناسنامه‌ها که می‌نوشتند، ملیت و تابعیت بعد از اسم و فامیل بود. ملیت ما هم اسلام یا مسلمان بود. نویسنده‌ی شناسنامه وقتی عسکراولادی را نوشته، مسلمان را آن طرف ملیت ننوشت. در کنار عسکراولادی نوشته است لذا فامیل من در بین برادران و خواهرانم عسکراولادی مسلمان

هر روز برای شما منتشر می‌شود

روزنامه الکترونیکی
حزب مؤتلفه اسلام

shoma - newspaper ir



صاحب امتیاز: حزب مؤتلفه اسلامی
مدیرمسئول: محمد مهدی اسلامی
سرمدبیر: حمیدرضا ترقی
گرافیک: احمد عبادی
چاپ: چاپخانه تهرانی
تلفن: ۲-۸۸۳۴۸۹۱
نماینده: ۸۸۳۴۲۲۱
شماره پیام کوتاه: ۲۰۰۰۱۳۴۲
سازمان توزیع: ۸۸۲۲۸۹۰
سایت: www.shoma-weekly.ir
رایانامه: info@shoma-weekly.ir

نشانی: خیابان کریمخان زند - خیابان
خردمند جنوبی - نبش کوچه یگانه
پلاک ۴۴ - کد پستی: ۱۵۸۴۷۳۴۷۱۱